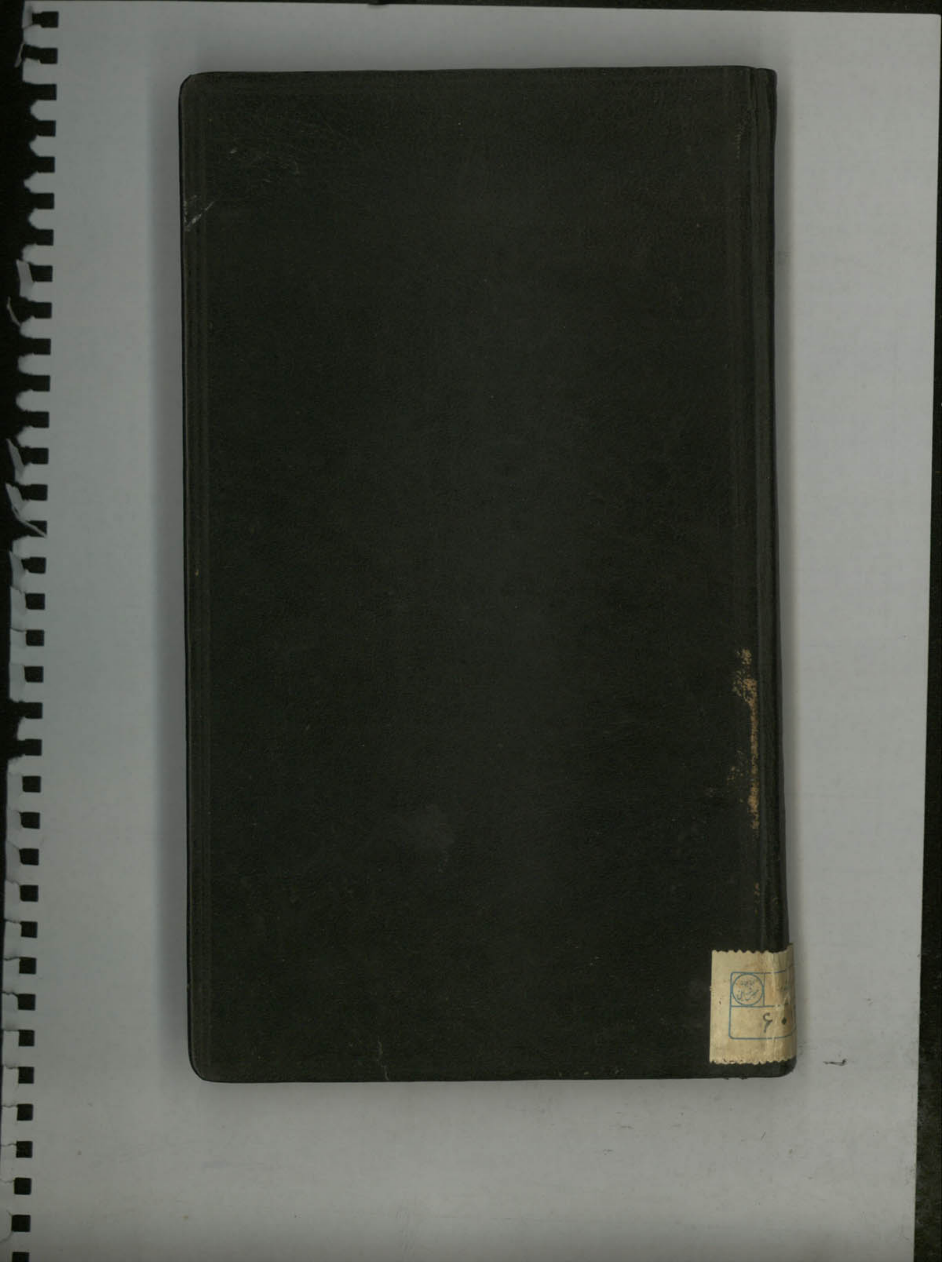


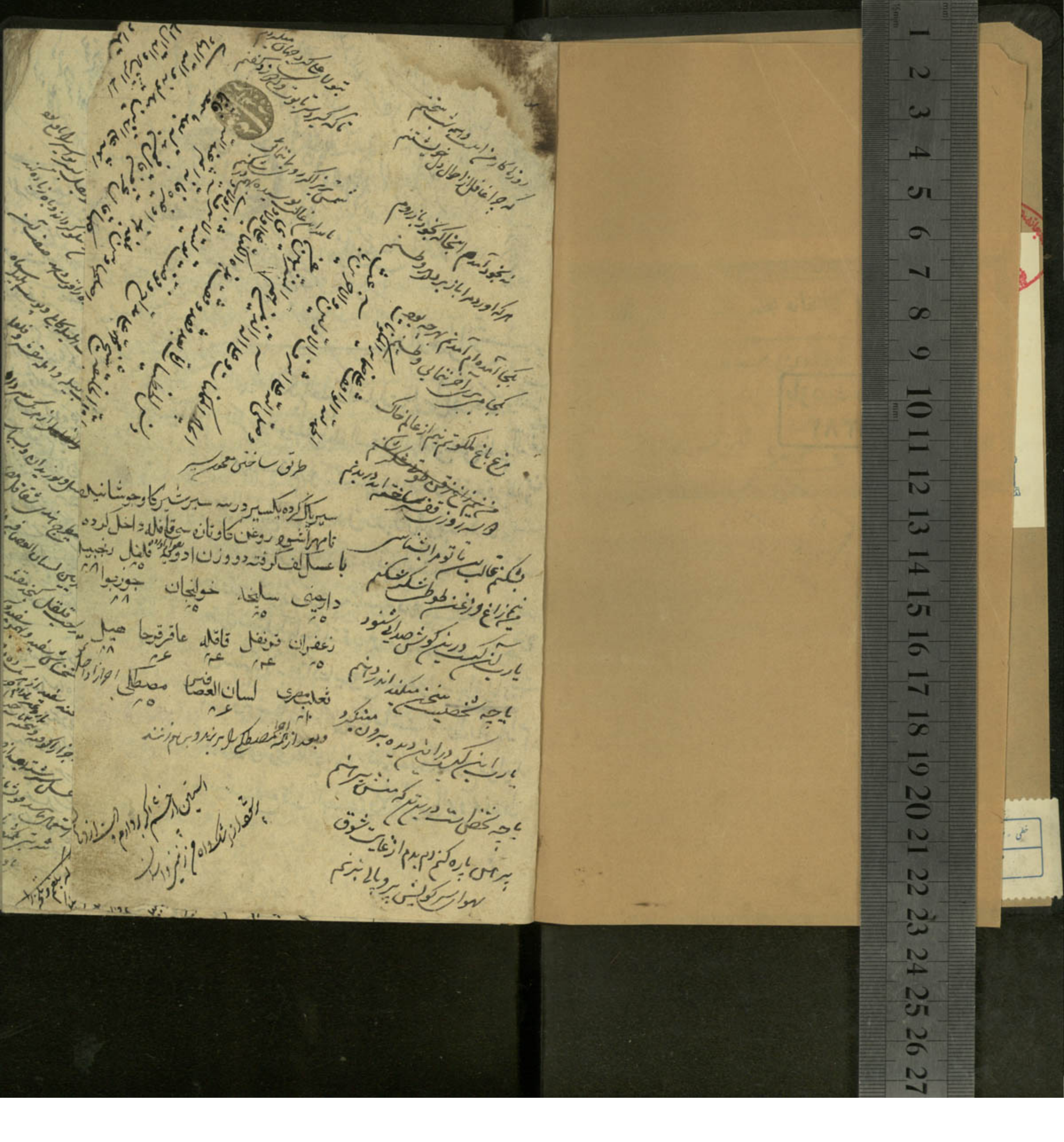
هو الموفق

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوات علی من اوتی الحکمة والکتاب الکریم وهو یشفی بلطفه السقیم وانه لعلی خلق عظیم وآله الهادین الی الصراط المستقیم وبعد پوشیده نماند که فقیر حقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی در مدتی مدید ترکیبی چند که معالجات امراض از آن گزیری نیست کرده بود خواست که در سلک ترتیب درآورد بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب از کتب موثوقه معمول معتمد علیها حکما متقدمین ومتاخرین منتخب ومترجم نموده بان منضم گردانیده تا کتاب جامع مستغنی از سایر قرابادینات باشد وبترتیب حروف تهجی مرتب ساخت مامول از کرم کرام آنکه چون بر سهوی اطلاع یابند بر قسم شفقت اصلاح فرمایند واین کمینه مع قلة البضاعة والاعتراف بالعجز والجهالة را

عیب نفرمایند والله ولی الهدایة والتوفیق من عنده وبه الاعانة

باب الالف اثرودار واعضای رئیسه را قوت دهد وخفقان ونفرع را نافع باشد وفرح آورد ولون را نیکو کند وبوی دهان وعرق را خوشبو کند واشتهای طعام آورد پس از طعام وپیش از طعام توان خورد صفت آن گل سرخ شش درهم سعد کوفی پنج درم قرنفل ومصطکی اسارون سنبل الطیب از هریک سه درم قاقله کبار وصغار زرنب بسباسه جوزبوا قرفه زعفران از هریک دو درم آمله مقشر یک رطل قند وعسل بالمناصفه صد وهشتاد مثقال آمله را یک شبانه روز در شیر خر بسایند بعد از آن شسته در نه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود از غربال بیرون کنند وبا قند وعسل بقوام آورند وادویه را کوفته وبیخته با آن بسرشند اثرشد ادوی لولوی عنبری تقویت قلب کند ومعده ودماغ را قوت دهد صفت آن مروارید ناسفته بسد یشب سعد کوفی اذخر از هریک دو مثقال عود خام سه مثقال ونیم طباشیر سادج هندی سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هریک سه مثقال زعفران دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیر بهله سی مثقال عسل وقند سه وزن ادویه اطریفل صغیر که استرخای معده وبواسیر را نافع بود وذهن را نیکو کند ولون را صاف کند صفت آن پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد وسیاه امله مقشر مساوی کوفته وبیخته بروغن بادام چرب کنند وبا سه مقدار آن عسل بسرشند وشربتی دو درم اطریفل دیدان کرمهای بزرگ وخورد وحب القرع را بکشد صفت آن برنک کابلی ده درم تربد حب النیل قسط تلخ از هریک پنج درم قنبیل ترمس درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل تخم حنظل سعد داس از هریک



سه درم کوفته و بپخته با دو مقدار عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار مثقال

بحسب مزاج نافع باشد **اطریفل ماهان** بهق سفید و برص را سود دارد

و سیاهی موی نگه دارد و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله

کابلی بیست درم پوست هلیله آمله مقشر از هریک ده درم بلیله کابلی مقشر

پانزده درم شیطرج زنجبیل از هریک سه مثقال ساذج هندی ده درم بسفایج

اسطوخودوس از هریک هفت درم غاریقون شش درم قسط سه درم

مصطکی کندر انیسون حب بوا جوز بوا از هریک دو درم فلفل دارشک

از هریک چهار درم کوفته و بپخته بعسل بسرشند شربتی سه درم تا چهار درم

ایارج فیقرا اعضای غذا پاک کند و فضول را از دماغ فرود آورد

و لقوه و گرانی زبان و استرخاء و مثانه و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل

و قولنج را نافع باشد صفت آن سنبل الطیب دارچینی عود بلسان سلیخه

مصطکی حب بلسان اسارون زعفران از هریک جزوی صبر سقوطری دو وزن

ادویه شربتی دو درم بعسل و آب گرم بنوشند **ایارج لوغاذیا** صرع و

ماخولیا و فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و

بهق و قوبا و سعفه و صداع و شقیقه و دوار و ضم و شهوت کلبی و ضیق النفس

و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب

و داء الحیه و ریشهای کهنه بد را نافع باشد و حیض بگشاید و این مسهل

مبارکست و اسهال او بی زحمت باشد صفت آن شحم حنظل پنج درم باز

عنصل مشوی غاریقون سقمونیا و خربق سیاه اشق اسقوردیون از

هریک چهار درم و نیم افتیمون کادریوس مقل صبر از هریک سه درم حاشا پر

غاریقون ساذج هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر

مرجند بید ستر فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل

حاما زنجبیل از هریک دو درم حنطیانا اسطوخودوس از هریک یک درم و نیم کوفته

بعسل سرشته شربتی چهار درم با آب گرم و عسل و بعد از شش ماه استعمال نمایند **ایارج**

جالینوس نفع این از لوغاذیا بیشتر است لقوه و فالج و تشنج و استرخاء مثانه و

امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد و سلس البول باز دارد و اخلاط غلیظ و لزج را از بدن

پاک کند صفت آن شحم حنظل غاریقون بصل الفار اشق سقمونیا خربق سیاه

فرفیون هیو فاریقون از هریک شانزده درم بسفایج کادریوس افتیمون سلیخه

از هریک هفت درم سکبینج زراوند طویل و مدحرج فلفل سیاه و سفید و دار الفلفل

دارچینی جاوشیر جند بیدستر فطراسالیون از هریک چهار درم کوفته بعسل بسرشند

شربتی چهار مثقال **باب البا باد مهرج** برودت معده و جگر و رحم و احتباس

طمث را نافع باشد و ریاح غلیظه را نافع باشد و سده جگر و سپرز را بنشاند صفت آن

زرنباد درونج عقربی انیسون جند بیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه هوم المجوس

بزرالبنج قسط لینی جاوشیر زعفران از هریک شش درم حلبه هشت درم بادر...

مرا از هریک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق معهود

معجون نمایند **برشعثا** نسخه شیخ ابوعلی سینا زکام و نزله را نافع و اوجاع را ساکن

گرداند و قطع خون ریختن کند صفت آن فلفل سفید بزرالبنج از هریک بیست مثقال

افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هریک یک مثقال

کوفته و بپخته با سه وزن آن عسل بسرشند و بعد از شش ماه در میان جو نهاده

باشند استعمال کنند **بنادق کندری** در زب و اسهال المعده را نافع بود

صفت آن مازوی سبز یک درم کندر کزمازج از هریک پنج درم افیون چهار درم حب الآس

ده درم کوفته و بپخته بنادق سازند هریک دو دانگ **برود بنفشه**

جرب را نافع است صفت آن بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کثیرا

ازهریك یکدرم نشاسته سه درم کوفته بیخته پنج نوبت
درسرکه بپرورند وخشك کنند ودیگر باره سایند
وبحریر بیخته استعمال نمایند برود دمعه
استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمك اندرانی ومازو
وازهریك یکدرم ونیم کوفته وبحریر بیخته استعمال نمایند
برود فارسی قوت باصره بیفزاید ومحافظت چشم کند
صفت آن توتیا مارقیثیا اقلیمیا نقره ازهریك
پنج درم سنبل ساذج زعفران ازهریك یکدرم مروارید ناسفته
دودرم کافور ودانك مشك دانکی صلایه کرده استعمال نمایند
برود احمر چشم را خنك کرداند وسوزش بان بازدارد
صفت آن شادنج مغسول ده درم روی سوخته
پنجدرم مروارید ناسفته یکمثقال ودودانك نبات یکدرم
صلایه کرده استعمال نمایند بنفسجی تاریکی چشم ودمعه و
جرب وحکه را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول
دودرم دم الاخوین دانکی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب
ازهریك نیم درم ساذج هندی دودانك دروج عفوبی قاقله
ومشك ازهریك دانکی کافور نیم دانك کوفته وبیخته استعمال
نمایند بخوری که زکام ونزله بارد را سود دارد صفت آن
کندر میعه یابسه سندروس مساوی کوفته وبیخته کلولها
سازند وبر آتش نهند وسر بخار ان بدارند بخوری
که نزله وزکام حار را نافع باشد صفت آن سبوس کندم
آردجو باقلی صندل سفید کل سرخ بنفشه کل کز ازهریك نیم

درم

درم کافور دانکی کوفته درسرکه بخیسانند وخشك کرده دیگر
باره کوفته وبیخته بکلاب سرشته حب سازند ودروقت حاجت
باتش نهند وسر ببخار آن بدارند بخوری دیگر که همین
که برابستنی معین باشد صفت آن میعه مایله بازردو
حب الغار مساوی کوفته وبیخته وبعسل بسرشند وبعد
ازظهر سه روز متوالی هر روز یکدرم ازان بخور کند وبعد ازان
مباشرت کند بخوری دیگر که همین خاصیت دارد صفت
سداب خشك کوفته باموم کداخته وپشم خرکوش بسرشند وبخور
کند بخوری که مشیمه وبچه مرده را بیرون آورد صفت آن
وبازرد وجاوشیر کوکرد مساوی کوفته وبیخته بزهره کاو
بسرشند وحبها سازند ودر زیر تغار سوراخ کرده دود کنند وفرج
را بران سوراخ نهند بنجنوش که برودت معده وجگر
ووجع ظهر ومفاصل وقولنج ولقوه ونسیان ووجع کلیه را نافع
بود ولون را صافی کند وبوی دهن خوش کند ومعده وباه را قوت
دهد وحفظ را زیاده کند وبول براند وبادها را بشکند
صفت آن آب انکور رسیده صد من کوشت نقلی بارده فربه
بیست من عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان
ازهریك پنجدرم سلیخه یکدرم خیربوا کبابه زرنباد قرنفل
سعد بسباسه ازهریك سه درم زنجبیل دارچینی سنبل
الطیب عاقرقرحا ازهریك یکدرم عسل ده رطل کوشت را
درآب انکور بجوشانند تا مهرا شود وادویه نیم کوفته

درکیسه کنند و سر کیسه را نرم ببندند و دران اندازند و هر لحظه
بدست بمالند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف سازند
و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال کنند و اگر خواهند
مرغ و کبوتر بچه و کبک و امثال اینها را اضافه نمایند و از
گوشت گوسفند چیزی کم کنند **تریاق سرطان** گزیدن کلب را
نافع باشد صفت آن سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال **تریاق دیگر** در گزیدن عقرب نفعی تمام دارد
صفت آن جنطیانا زراوند حب الغار مر مکی قسط فودنج سداب جندبیدستر
عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی مقابل یک جوز بشراب **تریاق دیگر** که از جهة گزیدن رتیلا نافع باشد
صفت آن شونیز ده درم دوقو زیره کرمانی از هر یک پنج درم اسارون و جوز السرو
از هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان
دارچینی جنطیانا تخم حندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته
و بعسل معجون سازند مقدار یک جوز بشراب کهنه **باب الثا ثاذریطوس**
این ترکیب مسمی بملکیست از ملوک یونان که قدما پیش از زمان جالینوس
برای او ساخته بودند بجهة اوجاع کبد و معده و طحال و کلیه و رحم و
نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام و صرع و برص و بهق و رعشه
و فالج و جمیع امراض عفنه مزمنه و انواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع باشد
و قولنج بگشاید که از سردی باشد و ضعف جگر را زایل کند و اسهال آن بی مشقت
باشد و ادرار بول و حیض کند و سنگ گرده و مثانه پاک و حرارت
غریزی را قوت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک کند و بادها را

دفع

دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ را نیکو کند صفت آن صبر سقوطری
پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران دارچینی وج مصطکی روغن
بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یک درم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل
سفید و سیاه دارالفلفل مر جنطیانا حب بلسان فقاح اذخر حماما
از هر یک دو درم کادریوس قسط افتیمون از هر یک چهار درم اسارون
سلیخه سقمونیا از هر یک شش مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه را کوفته
و بیخته بروغن بلسان چرب کنند و باسه چندان عسل بسرشند شربتی
چهار مثقال قوت این معجون تا چهار سال باقی ماند **باب الجیم** جوارش
شهریاران سردی جگر و معده و قولنج و عسر البول را نافع باشد صفت آن
قرفه قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هیل مصطکی
قاقله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم سقمونیا سه درم
تربد سفید حب النیل از هر یک هشت قند سفید بوزن تمام ادویه
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال تا هفت مثقال بآب گرم
جوارش اترج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بوی دهن را
خوش کند صفت آن پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل جوزبوا
دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یک درم مشک
ده دانگ کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو مثقال است
جوارش عود بادها را بشکند خفقان و دلتنگی را زایل کند صفت آن
عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم بسباسه
نارمشک سعد تخم بنجنکشت زرنب زرنباد از هر یک یک مثقال دارچینی

زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از هر یك دو درم کاوزبان
پنج درم کافور دانگی و نیم مشك دو دانك کوفته و بیخته
بعسل بسرشند **جوارش عود نوعی دیگر** معده
را و دل را قوت دهد و پیران را موافق باشد صفت ان
عود خام قرنفل ساذج زنجبیل فاقله قرنجشك دارفلفل
از هر یك دو مثقال و زعفران یکمثقال کوفته و بیخته
بعسل بسرشند **جوارش عود نوعی دیگر** هاضمه
را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبت
را دفع کند **صفت ان** قرنفل سه درم قاقله کبار
و سنبل از هر یك دو درم عود پنج درم زعفران یکدرم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش عنبر** خفقان
و سردی معده و بدی هضم و اوجاع رحم را نافع باشد
بود و از پیران بغایت خوبست **صفت ان**
قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی از هر یك پنج
درم زنجبیل دارفلفل از هر یك دو درم عنبر دو درم
قرنفل زعفران از هر یك دو درم جوز بوا پنج درم
مشك یکدرم کوفته و بیخته با چندان بعسل
بسرشند شربتی یکمثقال **جوارش جالینوس**
این جوارش را خاصیت بسیار است همه اعضا را قوت بسیار
دهد و بوی دهن خوش کند و بادها را بشکند و بسیاری

بول

بول که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد
و دایم انکی ببرد صداع و سعال بلغمی را و بواسیر و نقرس و
قوبا و بهق و حصاه کلیه و مثانه را دفع کند و بادها را
بشکند و بسیاری و سیاهی موی را محافظت کند
و گفته اند که هر که بدین جوارش بیست روز مداومت
کند از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد در همان روز
استعمال توان کرد **صفت ان** سنبل قاقله سلیخه
دارچینی و خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل سیاه دار
فلفل قسط بحری عود بلسان اسارون تخم مورد قصب
الذریره زعفران از هر یك یکدرم مصطکی پنج درم قند
سفید بوزن تمام این ادویه کوفته [illegible] و بیخته
با دو چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا سه
مثقال پیش از طعام و پس از طعام توان خورد دائما در نسخه
بعضی حنظیا تا سه مثقال اضافه میکرده اند **جوارش مسك**
خفقان و بواسیر را نافع باشد و بادهای معده را دفع
کند **صفت ان** جوز بوا قاقله زنجبیل دارفلفل فلفل
از هر یك درم مشك خالص نیم مثقال قند سفید شصت
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش کندر**

اسهال بلغمی را باز دارد و معده را گرم کند صفت آن کندر شصت درم فلفل
دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان از هر یک ده درم قرنفل
جوز بوا از هر یک پنج درم مشک نیم درم قند سفید شصت درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی سه درم **جوارش خوزی** طعام را هضم کند و اسهال را
باز دارد و سپرز را بگدازد و کسی را که بیم استسقا بود نافع باشد و ادرار بول کند
صفت آن قسط قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز بوا پنج عدد
قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج نامشک از هر یک چهار درم
بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند چینی زراوند مدحرج
اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان
کرده از هر یک بیست درم بلیله ده عدد حب الآس بوزن همه ادویه نبات
دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورند داروها را کوفته و بیخته بان
بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند **جوارش سماق** اسهال صفراوی را
باز دارد صفت آن سماق بیست درم خرنوب سی درم صمغ عربی گلنار دانه از
هر یک پنج درم کوفته و بیخته با مویز منقا دیگر باره بکوبند شربتی سه درم
جوارش دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن عود خام مصطکی
از هر یک یک درم تربد سفید چهار درم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل
سرشته شربتی پنج درم با آب گرم **جوارش بسباسه** بواسیر را و سردی معده را
و بدهضمی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن بسباسه قرفه
قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون از هر یک یک درم قاقله
کبار پنج درم دار فلفل دو درم قرنفل یک درم و نیم قند سفید بیست درم کوفته

و بیخته

و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال **جوارش سمسم** معده را قوت دهد
شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد
صفت آن زنیان تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم کنجد مقشر ده درم
کندر زنجبیل فلفل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد نوزده درم
مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند **جوارش مسهل** تنقیه معده
و دفع فضلات کند صفت آن تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند سفید
پانزده درم شربتی سه درم **جوارش شهریاران** بنسخه دیگر قولنج را بگشاید
و فضلات ردیه را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن فلفل زنجبیل زیره
کرمانی سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یک یک درم و نیم سقمونیا ده درم
عسل چهار درم شربتی یک درم و نیم تا سه درم **جوارش دارچینی** ضعف
گرده و مثانه و معده را دفع کند و بادهای غلیظ را دفع کند و اخلاط غلیظ را
دفع کند صفت آن دارچینی عود هندی راسن از هر یک شش درم قرنفل
فلفل سیاه دار فلفل سنبل اسارون از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم
نعناع هشت خیربوا و قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه
سلیخه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش زنجبیل**
ضعف معده و امعا و هیضه را نافع باشد و طعام را هضم کند و بادها را
بشکند و اسهال باز دارد صفت آن زنجبیل بیست درم صمغ عربی و خیربوا
از هر یک دو درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یک عدد زعفران
یک عدد زعفران یک درم نشاسته چهل و دو درم شکر طبرزد نود مثقال
جوارش فواکه معده و دل و جگر و احشا را قوت دهد و قی باز دارد
و صفرای بد را دفع کند و تنقل برای منع خمار کنند صفت آن آب انار
ترش و شیرین آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب لیمو
مجموع مساوی بجوشانند تا بربعی آید فرو گیرند و با قند بقوام آرند

زیاده وتیر بیزنند وآبها بر بزند بران مقدار که خواهند وبروی سنگ بریزند
باب الحاجب **حب ایارج** از جهت دماغ وسر واعصاب از فضول
واخلاط بلغمی پاک کند وصرع وسکته وامراض دماغی را نافع باشد صفت
آن ایاره فیقرا وتربد سفید از هریک یکدرم حب النیل غاریقون
وانیسون از هریک نیم درم تخم حنظل ونمک هندی از هریک دانگی ونیم
کوفته وبیخته باب رازیانه بسرشند وحب سازند **حب شبیار**
درد معده را نافع باشد وقوت باصره بدهد وتیرگی وتاریکی چشم را
ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد وورق گل سرخ
مصطکی تربد سفید از هریک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته وبیخته
حب سازند شربتی یکمثقال تا سه مثقال در وقت خواب فرو برند وبخوابند
حب غاریقون سده را بگشاید واستسقا وامراض کبد را نافع باشد
صفت آن افتیمون صبر سقوطری از هریک شش درم غاریقون چهار درم
انیسون فطراسالیون وتخم کرفس ودوقو از هریک دو درم سقمونیا
یکدرم کوفته وبیخته باب خالص حب سازند وشربتی دو درم **حب
منتن** فالج ولقوه را ومفاصل ونقرس که از سردی باشد ووجع ظهر را
نافع باشد وبادهای غلیظ را دفع کند وحیض بگشاید صفت آن سکبینج
اشق جاوشیر مقل حرمل تخم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست
هلیله زرد انزروت مساوی الاجزا وانزروت را در آب حل کنند وداروها را
کوفته وبیخته بآن بسرشند وحب سازند شربتی دو درم **حب ذهب**
صداع ودرد چشم را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری بیست درم پوست
هلیله زرد ده درم کثیرا سقمونیا مصطکی زعفران از هریک سه درم

ورق گل

ورق گل سرخ پنجدرم کوفته وبیخته باب وگلاب حب سازند وشربتی دو درم
تناول نمایند **حب مقل** بواسیر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی
مقل از هریک پانزده درم تربد سفید ده درم سکبینج پنجدرم خردل دو درم
مقل وسکبینج را در آب حل کنند وداروها را کوفته وبیخته بآن بسرشند
حب مقل شقاق را سود دارد وطبع را نرم کند ومحرورین را موافق باشد
صفت آن پوست هلیله کابلی بیست درم مقل دو درم کثیرا پنجدرم انجیر سه
عدد در آب بر پزند تا مهرا شود وبپالایند ومقل وکثیرا را در آن حل
کنند وپوست هلیله کوفته بآن بسرشند وحب سازند شربتی درم **حب
مقل** بنوعی دیگر درد معده را وامعا را وبواسیر را نافع باشد صفت
آن هلیله سیاه وبلیله واملهٔ از هریک جزوی مقل برابر همه ومقل را در آب
باید حل نمود وداروها را کوفته وبیخته در آن بسرشند وحب سازند شربتی
دو درم تا پنجدرم **حب دیگر** که چون سه مثقال شب متوالی بنوشند
وجع بواسیر را تسکین دهد صفت آن هلیله سیاه بلیله امله مقل از هریک
چهار درم نمک هندی صمغ مصطکی سورنجان اشق هراداسپند شیطرج
نانخواه از هریک یکدرم سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله
سلیخه از هریک هشت صبر سقوطری بیست درم سکبینج دو درم مقل
وسکبینج را در آب حل نموده وباقی ادویه را کوفته وبیخته بآن بسرشند وحب
سازند شربتی دو مثقال **حب الافاریه** بادها را نافع باشد وطبع را
نرم کند وقولنج را بگشاید صفت آن زنجبیل دارچینی فلفل دارفلفل
نارمشک مصطکی از هریک یکمثقال سقمونیا هفت مثقال قند سفید
هفت مثقال کوفته وبیخته حبها سازند بقدر نخود وهر حبی یک مجلس
دفع کند **حب [illegible]** استسقای لحمی را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری

دوازده درم افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد
سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون
سه درم حاما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و نیم
حب دیگر جهة ضعف باه صفت آن ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک
یکدرم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة الثعلب از هر یک
نیم دانگ محموده و کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
حب مقل نوعی دیگر درد معده و بواسیر را نافع باشد صفت آن
هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک جزوی مقل برابر همه و مقل را
در آب کنند تا حل شود داروهای دیگر کوفته و بیخته در ان برشند
و حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر که چون شب متوالی بنوشند
وجع بواسیر را تسکین کند صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله مقل
از هر یک چهار درم نمک هندی صمغ مصطکی سورنجان اشق
هزار اسپند شیطرج نانخواه از هر یک یکدرم سنبل زعفران
دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر یک هشت درم صبر سقوطری
بیست درم سکبینج دو درم مقل و سکبینج را در آب کرده حل نمایند
باقی ادویه را کوفته و بیخته بان برشند و حب سازند شربتی دو مثقال
حب لاجورد و افتیمون سودا دفع کند و امراض سوداوی را
نافع باشد صفت آن لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا
از هر یک درم غاریقون پنج درم افتیمون و بسفایج از هر یک چهار درم

ایاره فیقرا

ایاره فیقرا شش درم با آب کرفس حب سازند شربتی سه درم در ماء الجبن
حب العشره لقوه و رعشه و فالج را نافع باشد صفت آن
زنجبیل فلفل دار فلفل شیر آمله سعد مصطکی دارچینی سنبل
سلیخه از هر یک دو درم صبر بیست درم با آب کرفس حب سازند شربتی
ده درم و نیم **حب الصدر** سرفه کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض
سینه را نافع باشد صفت آن غاریقون و تربد سفید از هر
یک سه درم اصل السوس حنظل ایاره فیقرا انزروت از هر یک
دو درم با آب حب سازند شربتی یکمثقال بماء العسل حب بنفشه
امراض چشم و سینه را نافع باشد و دفع صفرا کند صفت آن
بنفشه دو درم تربد یکمثقال محموده دانگی و نیم رب السوس
نیم درم با آب حب سازند **حب الملوک** نافع است کسی را
که از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل مسهل را
فی کند صفت آن تربد سفید یکدرم و چهار دانگ غاریقون
چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی و هلیله سیاه از
هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم گاوزبان نوبحشک بادر
نجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی سه درم **حبی**
که جمیع امراض سوداوی و صفراوی را نافع باشد صفت آن
پوست هلیله زرد شش درم پوست بلیله آمله مقشر
گل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایاره فیقرا پنج درم سنا
شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس
نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با آب کاسنی حب سازند

شربتی سه درم **حب السعال** صمغ عربی نشاسته کثیرا از
هر یک سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک
دو درم مغز بادام مقشر و خشخاش سفید از هر یک چهار درم
شکر طبرزد و فانید از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب
بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و منقی از هر یک
چهار درم زعفران یک درم اضافه نمایند **حب السعال بارد**
مغز بادام مقشر و تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید
از هر یک یکدرم رب السوس دو درم باقلا سه درم بلعاب بزر
قطونا حب سازند **حب السعال حار** پوست بیخ رازیانه
پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی
کوفته و بیخته باب حب سازند **حب السعال دیگر**
که سرفه خشک را نافع باشد **صفت ان** نشاسته صمغ
عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا کوفته و بیخته
بلعاب بهدانه حب سازند **حب السعال مجرب**
حکما رب السوس کثیرا صمغ عربی خشخاش نشاسته
ارد باقلا و بزر البنج اجزا مساوی کوفته و بیخته باب
ترنجبین سرشته حب سازند نافع باد **حب السعال**
دیگر که سرفه بلغمی را بغایت نافع بود **صفت ان**
رب السوس کشمش از هر یک سه درم نشاسته کثیرا
صمغ عربی مغز دانه کدو از هر یک یکدرم نبات سفید نیم
وزن اجزا ادویه را کوفته و بیخته در لعاب بهدانه سرشته
حب سازند **حب المسك** بوی دهن خوش کند و لثه را

قوت

قوت دهد **صفت ان** فلفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک
یکدرم گل سرخ صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر
نیم درم مشک و کافور از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب
بگلاب حب سازند **حبی را** که بوی سیر و پیاز و
شراب از دهن ببرد **صفت ان** پوست ترنج مرحمك
هیل زنجبیل کبابه بسباسه سعد از هر یک یکدرم مشک
و طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال صندل بگلاب
سوده ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند **حب مقل**
قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد **صفت ان** هلیله
سیاه مقل هلیله کابلی بلیله امله مقشر مقل از هر یک دو درم
مرجان و کهربا و ودع سوخته از هر یک درم مقل در اب اهنگران
حل کنند و داروهای صلابه کرده بان بسرشند و حب سازند
شربتی دو درم **حب المقل دیگر** که همین خاصیت دارد
صفت ان هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سه درم
کهرباده مثقال مقل برابر همه باب کنند تا حل شود و ادویه دیگر
کوفته و بیخته بان بسرشند و حب سازند شربتی دو درم
حبی که نعوظ تمام آورد و در بطو انزال اثری تمام دارد **صفت**
ان عود خام قرنفل قرفه کبابه فلفل از هر یک سه درم زعفران
نیم درم بالنگو دو درم دار فلفل تخم بابونه مرواریدنا سفته
از هر یکی یکدرم کوفته و بیخته با قند بقوام اورند و بسرشند
و حب سازند هر یک مقدار نخودی حقنه لبنه حمامیا

وسرسام ولمراض حاره را نافع باشد وطبع را نرم کند صفت
آن عناب سبستان بنفشه شعیر مقشر با هم
کوفته سبوس کندم خطمی اکلیل الملك از هر یك کفی
لخیر نیج عو ندرس رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
وپالایند وشکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم روغن
کنجد ده درم الکامه پنجدرم اضافه نمایند ونیم کرم خفته کنند
باب الخاء خند یقون برودت معده وجگر واحشا
را نافع باشد وهاضمه را قوت دهد واز برای پیران مفید
بود **صفت آن** شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یك یك مثقال قرنفل ومشك
از هر یك نیمدرم دارچینی وفلفل از هر یك یکدرم ادویه را
کوفته کنند سوی مشك وزعفران در کیسه کنند وسر کیسه نرم
بندند وشراب وعسل را بجوشانند وکیسه را دران افکنند
وهر ساعت بدست بمالند تا شراب بقوام اید پس کیسه
را بر دارند ومشك وزعفران را دران حل کنند ونگاه دارند
خضاب که موی را سیاه کند **صفت ان** مازو یك
رطل کتیرا روی سوخته شب یمانی از هر یك پنجدرم نوشادر
چهار درم نمك اندرانی دو درم ومازو را با روغن زیت لی
بجوشانند تا سوخته شود وبا ادویه دیگر بکوبند وبآب کرم بسرشند
وبگذارند تا چهار ساعت بگذرد وبعد از ان سر وریش را
بشویند وخشك کنند وخضاب را دران بمالند وبعد از
شش

شش ساعت بآب نیم کرم بشویند **خضاب دیگر**
پوست کردکان زرشب یمانی پوست انار سوخته لادن
مساوی کوفته وبیخته بآب کرم بسرشند وخضاب کنند
خضاب دیگر پوسته کردکان ومقل با روغن زیت صلایه
کرده استعمال نمایند وبعد از شش ساعت بآب کرم بشویند
باب الدال دواء السنه وانرا دواء الملوك نیز کویند
اوجاع مفاصل بواسیر وناسور وبرص وبهق سفید
وسیاه وجذام را نافع باشد وحواس را قوی کرداند وباه
را زیاده کند وهر که این معجون را مداومت کند موی ان
جز انکه سفید شده دیگر سفید نخواهد شد **صفت ان**
هلیله سیاه وبلیله واملج از هر یك سی وهشت مثقال
سوسن بیست وچهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل
فلفلمویه از هر یك بیست ودو مثقال قاقله صغار نار
مشك سعد از هر یك دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یك
شش مثقال فانید ششصد مثقال فانید را کوفته در پیاله کنند
ودر آب بگذارند وداروها کوفته وبیخته عسل وبا بلادر بسرشند
واقراص سازند هر یك دو مثقال ودانکی ونیم وهر بامداد یك
قرص از ان بخورند ودر این سال که این معجون را استعمال
نمایند از ترشیها ولبنیات پرهیز کنند **دوال مشد جلو**
ضعف معده ودل وخفقان وصرع وضیق النفس وفالج

ولقوه وتنها ووجع را سود دارد وبادهای زنان ابستن
را دفع کند وبنك را نکو کند صفت ان زرنباد
درونج از هر یك نیم درم بهمن سرخ وسفید سادج
هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جندبیدستر والد
از هر یك چهار دانك مشك دانکی ونیم کوفته وبیخته بعسل
شهد که آتش ندیده باشد بسرشند وبعد از چهار ماه
استعمال نمایند شربتی از یکدرم تا دو درم کافی باشد
دوا المشك بارد کهربا پنجدرم طباشیر پنجدرم
ورق گل سرخ پنجدرم کشنیز خشك چهار درم گاوزبان
هفت درم بسباسه یکدرم مروارید ناسفته درم
صندل سفید سه درم تخم خرفه پنج درم ابریشم مقرض
سه درم مشك یکدرم آمله هفت درم دارچینی م
دوازده درم زعفران یکدرم عسل وقند سه وزن ادویه
دواء الحلتیت تب ربع وگزیدن عقرب ورتیلا ومار
ایشانرا نافع باشد واز جهت تب در سکنجبین دهند
بعد از آنکه چهل روز گذشته باشد واز جهت جانوران
زهردار در شراب دهند صفت ان حلتیت سد
مرفلفل مساوی کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی
مقدار یك جوز دواء الماذریون استسقا وامراض سودا
سوداوی وبلغمی را نافع باشد صفت ان ماذریون در
سرکه

سرکه خیسانیده یك شبانروز در سایه خشك کنند یکدرم زیره
کرمانی ونمك هندی وپوست هلیله زرد از هر یك نیم درم
افیثمون تربد سفید از هر یك یکدرم کوفته وبیخته شربتی دو
درم دواء الزبد حمیات بلغمی را نافع باشد صفت ان
زنجبیل مصطکی واز هر یك دو درم زبد سفید بیست درم شکر
طبرزد چهل درم شربتی هر شب یکمثقال دواء الترنجبین
صفت باه را که سبب ان حرارت باشد نافع بود صفت ان
ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام
آید وهر شب دو معلقه بنوشند دواء الخسك در تقویت
باه بی نظیر است صفت ان خسك خسك را بکوبند به زنند
ودر آب خسك تر کنند وسه شبانروز در افتاب بپرورند
وهر روز تازه میکنند چندانکه آب خسك ترسد وان
خسك بکار شود پس خشك کنند وسه درم ازان باده
درم شیر تازه وده درم نبات بنوشند وسرد مزاج قدری
زنجبیل کوفته وبیخته اضافه نمایند دواء البصل تولید منی
کند وتغوط اورد وبغایت مقوی باه بود صفت ان
آب پیاز یکجزو وعسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید
ودر وقت دو معلقه ازان بنوشند دواء القوس
جهت ضعف معده که سبب ان برودت ورطوبت
باشد نافع بود صفت ان هلیله سیاه بروغن گاو
بریان کرده ده درم خرفه مغلو پنج درم نانخواه وصعتر بری
از هر یك سه درم خبث الحدید ده درم شربتی دو

درم با شراب کهنه داروئی که موی را برویاند و
دراز و سیاه کند صفت آن برنجاسف مورد سوخته
بریان کرده مساوی کوفته و بپزند بروغن مورد یا
روغن زیت استعمال نمایند داروئی که کنه را ببرد صفت
آن شب یمانی در آب حل کنند و آن را بدان بشوید یا آن را
با آب برگ سوسن یا برگ مورد بشویند نافع باشد داروئی
حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند صفت آن
فبیل سرخس ترمس حب النیل از هر یک نیم درم درمنه
ترکی دو درم تربد و برنج کابلی مقشر از هر یک درم نمک هندی
دانگی کوفته و بپزند با شراب و شکر بیامیزند و بیاشامند
داروئی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
برنج کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم قنبیل
یکدرم حب النیل و نمک هندی از هر یک نیم درم کوفته
و موین منقی سرشته تناول نمایند داروئی که چون بر آتش
نهند از دود آن جانوران کوزنده بگریزند صفت آن
زفت رومی کوکرد زرد شاخ گوزن بادآورد مساوی زفت را
بگدازند و دیگر داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال
کنند داروئی که نافع است از جهت کرم گوش اگر باشد
صفت آن شراب دو درم عسل پنج درم روغن گل یکدرم
سفیده تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند
و پشم را بدان تر کنند و نیم درم در گوش نهند و بآنجانب
تکیه کنند یکساعت بعد از آن بیکبار آن پشم بیرون کشند
کرم

کرم بیرون آید داروئی که بیهوشی آورد صفت آن افیون
یکدرم خشخاش سیاه ده درم در سه رطل آب بجوشانند
تا یک رطل آید و نیم رطل گندم پاک بجوشانند تا آب تمام
نیست شود پس گندم را خشک کرده بکوبد و یک مثقال از آن
هر که را بدهند بیخود شود داروئی که نافع است
از جهت حکه و جرب و سعفه و آن را قسمتی گویند
صفت آن پوست هلیله زرد شش درم شاه ترج مکی شاهتره
از هر یک دو درم افتیمون یکدرم و نیم کوفته و بیخته با کشمش
بسرشند شربتی مقابل یک جوز داروئی که شهوت زنان
زنان حامله را ساکن کند صفت آن مصطکی یکدرم عود
خام نیم درم محوزیره کرمانی دانگی و نیم کوفته و بیخته ده درم
گلقند سرشته بنوشند داروئی که نافع است از
جهت درد دندان که سبب آن حرارت باشد
صفت آن افیون نیم دانگ در روغن گل کنند
و قدری پنبه بدان تر کنند و بر دندان نهند و اگر
کافور و عاقرقرحا بکوبند در روغن گل حل کنند و پنبه
بدان تر کنند و بر دندان نهند همین عمل کنند داروئی
که نافع است از جهت درد دندان که سبب آن برودت

باشد واکثر تریاق الاسنان خوانند صفت آن
جند بید ستر حلتیت فلفل زراوند مدحرج زنجبیل
میعه فیون بزر البنج مساوی کوفته وبیخته بعسل
بسرشند وپنبه را دران تر کنند وبر دندان
نهند دارویی که لثه را محکم کند وکوشت رفته
برویاند صفت آن کندر زراوند مدحرج دم الاخوین
... کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته وبیخته بسکنجبین
عنصلی بسرشند واستعمال نمایند ذرور اثر زرف
قرحه را پاک کند صفت آن نشاسته سه درم انزروت
مربی واسفیداج رصاص از هر یک دو درم کوفته وبیخته
ذرور سازند ذروری که نافع است از جهت درد چشم
کهنه وسرخی آب رفتن صفت آن توتیای مغسول
سفید آب ارزیز نشاسته کوفته وبحریر بیخته ذرور
سازند ذرور ظفره شیاف مامیثا سادج هندی
حماما از هر یک دانکی ونیم سوسن فلفل زنکار از هر یک
یکدرم کوفته وبیخته ذرور سازند ذروری
که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد صفت آن
انزروت مربی حشمه از هر یک ده درم ماسران دم الاخوین
از هر یک

از هر یک دو درم کوفته وبیخته استعمال نمایند ذرور
کافور نافع است از جهت حرارت چشم ورمد
صفت آن صدف سوخته ومروارید ناسفته
از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دو دانک صلایه
کرده ذرور سازند ذروری که نافع است از جهت
خروج مقعد وسودم ومقعد صفت آن سفید
آب ارزیز کلنار شب یمانی مازو مساوی کوفته وبیخته
ومقعد را بروغن کل چرب کنند وبر آن افشانند
ذروری استرخای مقعد را نافع باشد صفت آن
جفت بلوط مازو وقشار کندر شیح سوخته کلنار شیح
کوزن سوخته مردارسنک صدف سوخته اقلیمیا ...
کوفته صلایه کرده ذرور سازند ذروری که سوختکی
آتش وروغن کرم ومانند او را نافع باشد صفت آن
مردارسنک اهل حنا از هر یک قدری بکوبند وجای
سوخته بروغن کل چرب کنند واین داروها را در آن افشانند

باب الراء روغن قسط

فالج ولقوه ومعده وجکر
سرد را نافع باشد وسیاهی موی را نکاه دارد واعصار را قوت دهد
صفت آن قسط ده درم فلفل فرفیون از هر یک سه درم
عاقرقرحا چهار درم جند بیدستر دو درم ونیم شراب کهنه
صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط وفلفل عاقرقرحا نیم درم
کوفته در شراب خیسانند یکشب وصباح شراب بجوشانند

تا بنیمه آید بعد ازان روغن زیت دران ریزند و چندان بجوشانند که شراب برود و روغن بماند بعد ازان جند بید ستر و فرفیون کوفته و بیخته در انجا ریزند و زمانی که از آتش فرو گیرند **روغن قسط** بنسخهٔ دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع باشد **صفت آن** قصب الذریره سنبل ساذج هندی میعه سایله بیخ سوسن فرفراشته قسط از هر یک بیست درم ورد اسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم موصاف و قرنفل از هر یک پنج درم مجموع نیم کوفته در سه من آب بپزند تا بنیمه آید و با نیمن روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن قسط** بنوعی دیگر سردی جگر و معده را نافع باشد چون بیاشامند و چون بر محلی که موی رفته باشد بمالند موی بروید و اعصاب را محکم کند **صفت** از قسط تلخ صد درم مرباجو زجهل درم سلیخه شش درم مجموع نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند یک شبانروز و روز دیگر بجوشانند و بپالایند و سه چهاریک روغن زیت یا روغن کنجد بر وی ریزند و بجوشانند تا روغن بماند **روغن افسنتین** معده و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد **صفت آن** روغن زیت روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن زرد آلوی تلخ نیمن افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند **روغن سوسن**

اختناق

اختناق رحم را سود دارد و گرده و مثانهٔ سرد را گرم کند و گرم کند **صفت آن** سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد زعفران ده درم و زردی از سوسن بردارند و یکرطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و داروها را کوفته و بیخته بر روی آن کنند و بنزدیک آفتاب نهند و در سایه چهل روز پس بگذارند و بعد ازان بیرون آورند و نگاه دارند **روغن بیدانجیر ساده** مسهل بلغم بود و اعضا را از رطوبت پاک کند صفت آن بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد باشد آن آب را بریزند و کفها بجوشانند که تمام بار روغن صاف میشود **روغن ترب** مانند روغن زیت بود گرم تر از روغن بیدانجیر بود و درد گوش را نافع بود و بادی که در گوش بود دفع کند صفت آن آب ترب سیر جزو بگیرند و روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن خسک** عسر البول را عظیم نافع است صفت آن خسک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال و نیم کوفته بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و بپالایند و یک چهاریک روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغنی که در گوش چکانند** دردی که از گرمی باشد زایل شود صفت آن روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکهٔ کهنه سی درم با یکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند در گوش چکانند نافع است **روغن کندر** درد گوش را که از سردی باشد زایل کند صفت آن کندر درد گوش را که از سردی باشد زایل کند صفت آن کندر پنج درم صبر درم مکی مصطکی جند بید ستر حنضض مکی زهره گاو از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم

شراب کهنه چهل درم ادویه را کوفته با شراب و [illegible] روغن بجوشانند
تا روغن بماند بپالایند و در گوش چکانند **روغن مصطکی** معده را
قوت دهد صفت آن روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند و ده درم
مصطکی بر وی ریزند تا نیمه دیگی آب کنند و آن شیشه در میان آن دیگ
آویزند و آتش کنند تا بجوش آید چندانکه مصطکی گداخته شود **روغن**
مورد موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد بر رویاند صفت آن بگیرند
آب مورد سه جزو روغن زیت یک جزو با یکدیگر بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد فرو گیرند **روغن دیگر**
موی را محافظت کند صفت آن پوست هلیله کابلی مازو و برگ مورد از هر یک
جزوی در شراب ریحان خیسانند تا یکشبانه روز بعد از آن بر ریزند و بپالایند
و یک جزو روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن در
وقت فرو گرفتن بیندازند تا بگدازد فرو گیرند و شب موی را چرب کنند و صباح
در حمام بشویند **روغن حنا** موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را
نافع باشد صفت آن برگ حنا یک چهار یک در دو من آب بجوشانند تا بر یکمن
آید با همین روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند **روغن بیضه**
در یکهفته موی برویاند صفت آن بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه
از او بیرون کنند و سی عدد زرده تخم مرغ در آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن
زیت و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم در آن ریزند
و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یکشب در تنور نهند و روز
دیگر بیرون آورند و گل را دور کنند و خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم شود نگاه
دارد و وقت ضرورت بکار برد **روغن دیگر** که آنرا دهن البلسان گویند خواص بسیار
دارد گرم‌تر از نفط سفید بود و لطیف‌تر است و امراض بارده را بغایت سود

مند است

مند است جهت گزیدن عقرب و کسی که بزر البنج یا افیون خورده باشد
نافع بود صفت آن آجر سرخ آب ندیده بادام بادام کنند و در آتش اندازند
تا سرخ شود بان بردارند و در روغن زیت اندازند و بعد از آن بیرون آرند
و نرم کنند و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سرش را بموی اسب
بگیرند و سر ازیر نهند که سوراخ در ته باشد و پر فحم کنند و آتش در آن اندازند
و چیزی در زیر سر شیشه نهند و روغنی که بچکد نگاه دارد **روغن سورنجان**
مفاصل را نافع باشد صفت آن سورنجان مصری و آب کرفس تازه
از هر یک ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره نیم کوفته
بخیسانند تا یکشبانه روز بعد از آن بجوشانند تا مهرا شود بپالایند و آب
کرفس اضافه نمایند و یک چهار یک روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند **روغن کراث** جهت دفع بواسیر نافع باشد صفت آن آب گندنا
با روغن کنجد نیمی با ده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن**
تاتوره جهت دفع سرعت انزال بی نظیر است چون کف پا را بآن چرب کنند
صفت آن تاتوره هندی از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کنند
که گردنش دراز باشد و سر شیشه را بموی اسب محکم کنند و شیشه را بگل حکمت
گیرند و در کاسه بزرگ که آتش در آن در آن توان کرد ترتیب نمایند و ته کاسه را
سوراخ کنند و سر شیشه را از سوراخ بیرون آورند و در زیر شیشه پیاله
نهند و کاسه را بر سر سه پایه نهند و آتش از بالای آن شیشه کنند و در اندرون
کاسه روغنی که از آن چکد نگاه دارند **روغن عقرب** سنگ شانه را
پاره پاره کنند و بیرون آورد صفت آن ریوند چینی سعد هندی جنطیانا
پوست بیخ کبر از هر یک وقیه روغن بادام تلخ یک رطل داروها کوفته و بیخته
در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند یکهفته در آفتاب نهند بعد از آن
بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه بر بندند و یکهفته دیگر

در آفتاب بگذارند پس بپالایند و قطره از آن در احلیل چکانند روغن
بارهدین منقول از قانون اوجاع بارده احشا را و قولنج و مغص ریحی را
نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش را ساکن گرداند چون
در بینی چکاند صداع شقیقه بارده را دفع کند و رنگ خوب کند و رحم را
گرم کند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد و این روغن
اشرف روغنهاست و منافع بسیار دارد صفت آن قضیب الذریره سعد
ورق الغار عود بلسان لک سادج هندی برگ مورد اذخر اهل
راسن قردمانا مرزنجوش با روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و
روغن بماند **باب الزّا زرعونی** پشت محکم کند و معده و گرده را
قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهن خوش گرداند و آب از دهان
رفتن را باز دارد و بادها بشکند و ریگ از مثانه پاک کند و منی بیفزاید
صفت آن تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم شبت نانخواه مغز رازیانه و تخم خربزه
تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی
عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفلمویه از هر یک
سه درم عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه عنبر را در عسل کف گرفته
بگدازند و ادویه کوفته را در آن بسرشند و بعد از ده ماه استعمال نمایند
شربتی یک مثقال تا دو مثقال **زرعونی دیگر** در امر مجامعت بسیار نافع است
تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم
بادرنگ بیخ کرفس مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز جلغوزه
از هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا کبابه زنجبیل تخم اسبست
تخم جرجیر تخم پیاز حب الرشاد تخم انجره تخم گندنا خولنجان جوز بوا کل
قرنفل

قرنفل دارفلفل از هر یک سه درم قرفه زعفران کندر مصطکی عود
از هر یک چهار درم تخم هلیون بوزیدان بهمن سرخ و سفید شقاقل
لسان العصافیر از هر یک پنج درم بصل الفار بریان کرده یک درم
خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز سر گنجشک نر خشک مربی کشمش
خرما از هر یک ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم
مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن ادویه مجموع بطریق معهود
معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بنوشند و از عقب آن ده درم
شیر تازه و ده درم شکر در آن حل کنند و بیاشامند سرد مزاج پنج
درم فرو برد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامد در قوت
باه و امر مجامعت بهترین معجونهاست و مکرر خاصیت این مشاهده
کرده مجربست **باب السّین سفرجلی** مسهل معده را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بگشاید صفت آن
به اصفهانی را پوست بیرون کنند و دانه برآورند نیم درهمی گیرند با آب
بجوشانند تا مهرا شود و از غربال بیرون کرده یک من عسل بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها را کوفته و بیخته
بان بسرشند زنجبیل و دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران
از هر یک سه درم مصطکی پنج درم تربد سفید سی درم سقمونیا ده درم

شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت
قولنج نافع باشد **سفرجلی نابستانی** صاحب
مزاج گرم را نافع باشد و در فصل گرما توان داد
و ازین جهت محمد زکریا این را سفرجل نابستانی
نام نهاده **صفت آن** سقمونیا دو درم و نیم
سفید درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک
پنج درم ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک دو درم
و نیم ترنجبین ~~که گداخته شود~~ و عصاره به از هر یک
پنجاه درم با آب به و ترنجبین بجوشانند چنانکه
ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند این جمله ده شربت باشد
سفرجلی ممسک شکم ببندد و معده را قوت
دهد و دفع قی کند و لون را نیکو کند و اشتهای
طعام آورد **صفت آن** به اصفهانی از پوست
و دانه پاک کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهرا شود
بعد از آن بکوبند و نیم من عسل بر سر آن زنند و
بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها
کوفته

کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل فلفل دار
فلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران
از هر یک دو درم شربتی چهار ده مثقال
سکنجبین بزوری حار سده جگر و معده
را بگشاید و بول را براند و فضول از معده
بکند و مستسقی را نافع باشد **صفت آن**
تخم کاشنی نیم کوفته و تخم کشوث تخم
کرفس را زیانه انیسون از هر یک پنج درم پوست
بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در
آب سرکه بخیسانند چنانکه ذکر رفت و یک من
قند اضافه کنند و بقوام آورند **سکنجبین
ریوندی** یرقان و درد جگر را که از گرمی
باشد نافع است **صفت آن** تخم کاشنی
نیم کوفته ۲۰ درم تخم شاهتره و تخم کشوث
از هر یک ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را
کوفته در کیسه بندند و با ادویه دیگر در دو من
آب بجوشانند و زمان زمان کیسه

ریوند را بدست می مالند تا شیره تمام باز دهد
وبعد ازان صاف کرده یکمن قند وچهل مثقال
سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی تا پنجده
درم یا پنجدرم بگلاب سکنجبین بزوری
معتدل سده سپرز وجگر بگشاید وبول
براند ونبهای مرکبه را نافع باشد صفت آن
تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک سه
درم سه تخم از هر یک پنجدرم پوست وبیخ کاسنی
بیخ رازیانه از هر یک هفت درم مجموع نیم کوفته
در سه رطل آب وبیست درم سرکه بخیسانند
ویکشبانروز وروز دیگر بجوشانند وبایکمن
قند بقوام آورند سکنجبین سفرجلی
معده وجگر را قوت دهد واشتهای طعام
باز دید آورد وسده جگر بگشاید وبابها مفید
بود وطعام را هضم کند صفت آن
آب به صاف کرده یکمن وبچهار یک سرکه ویکمن
قند بجوشانند وبقوام آورند واگر بجای سرکه
آب

آب لیمو کنند صواب باشد سکنجبین لیمونی
که همین خاصیت دارد صفت آن آب
بر پنجاه مثقال قند سفید یکمن بجوشانند
وبقوام آورند سکنجبین دیگر که حرارت
خمار وصفرا بنشاند واسهال صفرائی باز
دارد وکسی را که آبله بدید آمده باشد
نافع بود صفت آن سرکه کهنه وگلاب
از هر یک یکچهار یک برگ گل پنجاه درم
گلنار بیست درم در سرکه وگلاب خیسانند
سه شبانروز پس بجوشانند وبپالایند
وبایکمن قند سفید بقوام آورند سفوف
درونج خفقان را سود دارد صفت آن
عود درونج عقربی لسان الثور از هر یک
شش درم زرنباد دو درم کوفته وبیخته
شربتی یکمثقال با یک چهار یک شراب
کهنه با ماء العسل سفوف عود معده
سرد وتر را سود دارد صفت آن قرنفل

کبابه چینی از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی
از هر یک سه درم عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن
همه شربتی یکمثقال باده درم کلفتد **سفوف قاقله**
شهوت طین و شهوات ردیه زنان حامله را نا
فع باشد **صفت ان** قاقله کبیر بوا کبابه
چینی مساوی شکر بوزن همه شربتی دو درم
باب گرم **سفوف انیسون** بادهای معده
را دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک
کند **صفت آن** نانخواه تخم کرفس از هر یک
پنج درم کندر چهار درم فقاع اذخر قسط
مصطکی از هر یک سه درم انیسون پنج درم
سفندان سفید سی درم کوفته و بیخته
با فانید بسرشند شربتی پنج درم **سفوف**
مقلیاثا بواسیر و مغص و اسهال کهنه
و زحیر و ضعف معده را نافع **بود صفت**
آن تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی
در سرکه خیسانده و خشک کرده بریان ساختند

پنج مثقال بزر کتان و تخم کندنا و هلیله سیاه
در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال
مصطکی یکمثقال مجموع کوفته سوای تخم
تره تیزک شربتی دو درم باب سرد **سفوف که**
سلس البول را نافع است **صفت ان** بلوط
پنجاه درم کندر سی کشنیز خشک بریان کرده
کل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم کلنار و کوما
زج از هر یک پنج درم شربتی سه درم باب
خالص **سفوف نمک** معده و جگر و او
جاع مفاصل و هر مرضی که سبب ان ابتلا
باشد نافع باشد **صفت ان** نمک طعام
سی درم فلفل سفید بیست درم زنجبیل
پانزده درم انیسون هفت درم تخم جرجیر
نانخواه نوشادر فلفل سیاه فونج از هر یک
ده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم باب
بنوشند **سفوف هلیله** ورم جگر را نافع
باشد **صفت آن** هلیله سیاه پوست

هلیله کابلی از هر یک چهار درم تخم کرفس
وانیسون و رازیانه از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته شربتی سه درم با شیر شتر
سفوف دیکر ورم جکر را سود دارد
و بول براند صفت آن تخم خربزه و تخم
خیارین از هر یک پنج درم و تخم کاسنی و
تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس
انیسون رازیانه رب السوس از هر یک دو
درم عصاره زرشک چهار درم ریوند یکمثقال
لک مغسول چهار دانک زعفران سنبل
مصطکی افسنتین از هر یک یکدرم کافور
دو دانک شربتی سه درم سفوف
یهودی از جهت زحیر مجرب است صفت
آن تخم ترتیزک بریان کرده بزرقطونا
بریان کرده ابهل بریان کرده از هر یک دو درم
زیره کرمانی تخم کندنا تخم شبت خشخاش
انیسون تخم کرفس بزرالبنج از هر یک
دو درم

دو درم و نیم افیون سه درم و دانکی کوفته و
بیخته دو درم از آن سفوف سازند سفوفی
که نفث الدم را نافع باشد صفت آن
طباشیر کل سرخ کل ارمنی کل مختوم شاذنج
عدسی مغسول تخم خرفه از هر یک پنج درم
بسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید
رب السوس اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک
سه درم بزرقطونا بیست درم افیون دو درم مجموع
کوفته و بیخته سوی بزرقطونا سفوف سازند
و شربتی دو درم با آب باران یا با آب برگ خرفه
اگر حرارت قوی نباشد سه درم کندر افزایند
آن دارو ها نمایند سفوف حب الرمان
ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع است
صفت آن انار دانه بریان کرده بلوط سماق
زیره کرمانی هد بر حب الاس سنجد کشنیز خشک
بریان کرده خرنوب نبطی ارد کنار از هر یک
پنج درم عود خام نیم درم املج یکمثقال کوفته

وبیخته بارد بر استعمال کنند شربتی سه درم
سفوف الطین وانرا سفوف النسا
نیز کویند اسهال حراری ودموی را نافع باشد
صفت آن بزرقطونا تخم ریحان تخم
مرو ونشاسته وتخم حماض بریان کرده
صمغ عربی کل ارمنی طباشیر مساوی کوفته
وبیخته بعد از ان تخم اول در یکدیگر بیامیزند
شربتی سه درم بروغن کل بادام چرب کنند وبکلاب
تر کرده فرو برد سفوف زرشك
شکم ببندد وضعف معده را نافع بود صفت
آن سماق نانخواه زنجبیل انار دانه بریان کرده
زرشك منقی اقاقیا کلنار از هر یك دو درم نبات
سفید بیست درم کوفته وبیخته شربتی
یکمثقال سفوف سماق تشنکی بنشاند
واسهال معدی را نافع بود صفت آن
سماق ده درم حب الاس انار دانه بریان کرده از هر
یك پنجدرم خرنوب باجده درم صمغ عربی
وکلنار

بمثانه

وکلنار از هر یك دو درم کوفته وبیخته شربتی
یکمثقال سفوف سورنجان نقرس ومفاصل
وعرق النسا را نافع باشد صفت آن
سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم
پوست هلیله زرد ومغز بادام مقشر از هر یك
سه درم زعفران نیمدرم سقمونیا یکدرم قند سفید
سی درم واکر مادهٔ بلغمی باشد تربد سفید پنج
مثقال اضافه نمایند وسقمونیا نیم درم اضافه
بکنند سفوفی که سنك از کرده ومثانه اطفال
پاك کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ
عربی الوفلت مساوی کوفته وبیخته شربتی
نیمدرم تا یکدرم سفوف ارسطا
لیس که از بهر اسکندر رومی ساخته بود
ذربت وتباهی معده وزردی روی ووسواس
ونسیان را نافع بود وطعام را هضم کند وبوی
دهن خوش ودل را قوت دهد صفت آن
فرفد ساذج عود هال اسارون مصطکی هلیله

کابلی طمسک نار مسک زیره کرمانی دارچینی
اسنه فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل انار دانه
جوز بوا کافور قاقله از هر یک دو درم مشک
و عنبر از هر یکی یکدرم نبات شش وزن ادویه
شربتی یکدرم تا سه درم **سفوف عباده**
معده سرد و تر را نافع بود و قوت دهد **صفت**
آن لک مغسول حب الاس بلوط مصطکی ماش
و عود بلسان پوست انار از هر یک چهار درم
زنجبیل کندر از هر یک یکدرم نبات
پنجاه درم شربتی سه مثقال کنند و سکنجبین
بخورند **سفوف** که فواق بلغمی را نافع باشد
صفت ان تخم کرفس فطراسالیون
سعد از هر یک دو درم و نیم دو قو پوست
بیرون بسته انیسون فودنه اسارون
قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم و حب
نیمدرم شربتی دو درم **سفوف حجر الیهود**
سنگ کرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون

اورد

اورد **صفت ان** مغز تخم خیارین مغز
تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم
خشک مربی چهار درم حجر الیهود وقلت از هر یک سه درم تخم کرفس
سیسالوس فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی و کثیرا از هر یک
یک مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشخاش سفوف
که در ساعت شکم بربندد صفت آن حب الخشخاش ده درم تخم
کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم
سفوف که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد و صفت آن شاه بلوط
سه درم ماز و پوست بیخ [illegible] کند را از هر یک چهار درم
[illegible] شش درم حب الاس هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب
سرد سفوف که بادها دفع کند [illegible] و استسقای
طبلی را نافع باشد صفت ان تخم کرفس رازیانه انیسون
اسارون قسط [illegible] از هر یک دو درم زیره کرمانی
سه درم سعد و سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال
سفوف لولو که [illegible] کبدی را نافع بود و معده و دل و جگر را
قوت دهد و حرارت تشنگی بنشاند صفت آن مروارید ناسفته چهار

درم اسپند سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قرمزی تخم حنظل گل صندل سفید
باریک کرده بریان کرده دانه تخم خاص صمغ عربی بریان کرده سماق و زرشک
هشت درم جو بریان کرده تخم طراثیث خرفه بریان کرده از هر یک
سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک یک درم انار دانه پنج درم کهربا
و اقاقیا مغسول از هر یک دو درم کوفته و بیخته لعوق بارتنگ و بزر
قطونا سفوف سازند سفوف البزور بادها را بشکند و معده را
قوت دهد صفت آن کرویا انیسون زیره کرمانی قاقله خرفه نانخواه
تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دارفلفل از هر یک
دو دانگ قند بیست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب العنب
شکم ببندد و معده را قوت دهد صفت آن دانه انگور سماق صمغ عربی
از هر یک چهار درم حب الاس و سماق از هر یک دو درم مصطکی و گلنار
از هر یک یک درم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف مفاصل سورنجان
ده درم سقمونیا یک درم و چهار دانگ کبابه یک درم قند سفید سی درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر و رحم را نافع باشد
صفت آن تخم کشنیز بریان کرده [illegible] بریان کرده
بزر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان کرده گل ارمنی تخم
مورد از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یک درم کوفته و بیخته [illegible]

بزر قطونا

بزر قطونا و تخم مرو سفوف سازند سفوفی ~~صفت~~ آن که نافع است
از جهت حرارت جگر و یرقان و نفث الدم و سده جگر صفت آن
[illegible] مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک یک درم طباشیر نیم درم
مصطکی دو دانگ شربتی یک درم با آب سرد سفوفی که نافع است
از جهت یرقان و درد جگر و دفع صفرا این صفت آن گل مغسول
یک مثقال طباشیر دو درم زعفران یک درم ریوند چینی دانگ و نیم
کافور دو دانگ شربتی دو درم با شراب تمر هندی یا شراب آلو سفوف
بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن بلوط
شاه بلوط دانه سوخته آرد کنند از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی
سه مثقال سفوف چینی از جهت سرعت انزال که بسبب آن
حرارت باشد نفعی تمام دارد صفت آن بزر قطونا دو درم تخم
خرفه سه درم کشنیز خشک یک درم و نیم شربتی یک مثقال با نبات سفوف
سازند سفوفی که از جهت فواق امتلائی نافع است صفت آن
تخم کرفس سعد زیره کرمانی نانخواه کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوفی
که نافع است از جهت ضعف معده که سبب آن حرارت باشد
صفت آن کهربا گل سرخ از هر یک پنج درم عود دو درم از بنگ و
ده درم آمله مقشر طباشیر از هر یک سه درم سنبل یک درم زعفران

کافور از هر یک ربع دانگ کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با شراب انار سفوفی
که زنگ را سرخ کند صفت آن فوفل خیار ده درم زعفران
سه درم قند سفید سی وده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم سفوف
سازند سفوفی که بدن را لاغر کند صفت آن لک مغسول
دو درم نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم بزر کرفس
بوره ارمنی از هر یک یک درم کوفته و بیخته شربتی هر روز یک مثقال با کلقند
بخورانند سفوفی که قطع سیلان منی کند و جهت انزال را نافع است
صفت آن تخم سداب سه درم بخ کشنیز کوس از هر یک
دو درم گلنار و ورق گل سرخ از هر یک یک درم و نیم کوفته
و بیخته دو درم از آن در روغن ماست عجوه کرده صبح ناشتا بخورند
سفوفی که در آبستنی معین باشد صفت آن فرق زن عاج و نبات
از هر یک یک مثقال زن را شب سفوف سازد و از دو شب چهار درم بر د
با او مجامعت کند آبستن شود بشرط آنکه بعد از طهر باشد و بعضی گفته اند
که نشان زن عاج را زن هر هفته و روز در روز دو درم بخورد بعد الغسل بیاشامد
و بعد از آن جماع کند آبستن شود سفوفی که قی الدم را نافع است
صفت آن گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین طین مختوم از هر یک

پنجدرم

پنجدرم کوفته و بیخته با ده درم رب به بخورند سفوفی که قی بلغمی را
دفع کند صفت آن کندر و مصطکی از هر یک پنجدرم عود
خام هفت درم انار دانه پنجدرم قرنفل کبابه قاقله جوز
بوا بسباسه سعد نعناع از هر یک چهار درم کوبیت زنجبیل فرنجمشک
از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل و آمله از هر یک پنجدرم
کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی دو درم سفوف جوز اسهال بلغمی را
باز دارد صفت آن جوز بویا کرده ده درم نانخواه یک درم
کندر نیم درم کوفته و بیخته با آب گرم بیاشامند و مجموع یک شربت
سعوطی که شقیقه سرد را نافع است صفت آن روغن بادام
با آب برگ مرزنجوش از هر یک یک مثقال بسباسه چهار مثقال کوفته و بیخته با آب
مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که خناز یر را نافع است صفت
آن بسباسه گاوزبان از هر یک دو درم زهره خار پشت و کافور
از هر یک یک دانگ و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم با زنگ
و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع بود صفت
آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو دو که افداخته
شادنج مغسول کافور از هر یک قدری با آب بادروج در بینی چکانند
سنون کور کیان ضعف الاسنان را نافع باشد صفت آن

کوزنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیلهٔ زرد صندل
سفید گل سرخ مساوی کوفته و بیخته سازند سنونی که دندان را
از چرک پاک کند صفت آن نمک اندرانی چو سوخته و بد التجار
سنجو نبات مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان
سنجوگی محکم سازد صفت آن گلنار زنجبیل یمانی آمده اقاقیا مساوی
کوفته و بیخته با سرکه بسرشند و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند
و سنون سازند سنونی که نافع است از جهت درد دندان که بسبب
ان لثه باشد صفت آن تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر
صندل سفید عاقر قرحا مساوی کوفته و بیخته بر لثه و دندان
افشانند بعد از ان که سرکه و گلاب را بعد عفت در دهان داشته
باشد سنونی که بیخ دندان را سخت کند و خون باز دارد صفت آن
شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته پوست هلیلهٔ زرد گل سرخ
از هر یک دو درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند
سنون که دندان را محکم کند و خون رفتن باز دارد و بوی
دهان خوش کند صفت آن هلیله بلیله آمله سعد گل سرخ
گلنار اقاقیا شب یمانی فرط طباشیر عاقر قرحا مساوی کوفته
و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از بن بیخ دندان باز دارد
صفت آن

دارد صفت آن ... سنون سازند ... صفت

صفت آن شب یمانی سوخته یکدرم نمک
بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته و بیخته
سنون سازند سنونی که ناسور بن دندان
را باصلاح آرد صفت آن بیخ سوسن بهار
عاقر قرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو سماق
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی
دهن خوش کند صفت آن کزمازج زنجبیل
زبد البحر دارفلفل قاقله از هر یک دو درم نمک
بریان کرده ده درم صبر سوخته هفت درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنونی که خون
رفتن از لثه باز دارد و بوی دهان خوش کند
صفت آن شب یمانی یکدرم پودنهٔ کوهی
ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که دندان سیاه شده را سفید کند صفت
آن پوست هلیلهٔ زرد ده درم فلفل چهار
درم حماما سه درم ساذج هندی دو درم مازو

سوخته هشت درم کوفته و بیخته بر دندان
مالند سنونی که لثه محکم کرداند و بثور
طوبات کند صفت ان کلنار ده درم نوشادر
دو درم موبزج سه درم مازو یکدرم پوده سوخته
ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که خون باز دارد و لثه را محکم کند صفت
ان کل کن آمله از هر یک سه درم عصاره لحینه الیکس کل
مختوم ابهل از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که دندان را سفید کرداند و بوی دهن خوش
کند صفت آن زبد البحر دو درم نمک بریان
کرده دو درم عود سوخته و جو سوخته و سفال
چینی و کزمازج و کلنار و عاقرقرحا و قرنفل و سلیخ
و کل سرخ و سعد و سماق از هر یک پنجدرم زراوند
طویل سنک و حب الاس از هر یک سه درم کوفته
و بیخته در دندان مالند سنونی که چون
در محل داروی انشک مالیدن بر دهن و بیخ
دندان

سنونی که بن دندان محکم کند
انار [illegible]
سنبل و عود [illegible]
چنبر بوده کندر یا فوفل
صدف [illegible] اقواس و [illegible] بیده
بر دندان مالند [illegible]

دندان افشانند منع دهن جوشش کند و اکر
دهن جوشیده باشد استعمال نمایند بصلاح
اورد صفت ان زراوند مدحرج براده
مورد و کند و سعد و کلنار پنج سوسن دم الاخوین
ملح و مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که دندان متحرک را محکم سازند
صفت آن مرتوتیای شب یمانی نشاسته
کل سرخ سماق پوست انار ترش استخوان
هلیله زرد سک کلنار مازو و کزمازج مساوی
و کوفته و بیخته بر بیخ دندان افشانند
نسخهٔ سونیحان اکلد دهن و لثه را
نافع بود صفت ان پوست انار ترش و شیرین
از هر یک سی درم مازو و کلنار شب یمانی کاغذ
سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق و پنجده
درم نمک هندی و نوشادر از هر یک پنجدرم
کوفته و بیخته بسرکه سرشته شوند و کلولها سازند
و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج

دیگر باره بکوبند و استعمال کنند سنون ریحان
نسخه دیگر استحکام و ورم لثه را نافع بود و دندان
را از چرک پاک کند صفت آن پوست
انار ترش دو درم گلنار زرد چوبه شب یمانی
سماق مازو از هر یک یک درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند باب الشین شراب
افسنتین معده را از اخلاط فاسد پاک
کند صفت آن افسنتین رومی پنج درم ورق
گل سرخ بیست درم زبد سفید ده درم در دو
من آب بجوشانند و بپالایند و یک من قند
اضافه کنند و بقوام آورند شراب افسنتین
که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج
گرم را زایل کند صفت آن ورق گل سرخ
هفت درم شاهتره افسنتین از هر یک پنج درم
آلوی سیاه بیست عدد تمر هندی بیست درم
مویز منقی سی طنم دانه دو من آب بریزند
تا بنصف آید صاف سازند و نیم من شکر سفید

دران

دران حل کنند و بقوام آورند شربتی ده درم
با یک درم صبر سقوطری شراب فواکه معده را
قوت دهد و قی را باز دارد و دل را قوی گرداند
صفت آن آب به آب سیب آب انار ترش
شیرین آب انار ترش آب امرود از هر یک یک جزو
آب زرشک و آب سماق و آب غوره و آب
زعرور از هر یک نیم جزو بجوشانند تا بثلثی آید
و انمقدار قند که کفاف باشد اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار ترش
قی باز دارد و دفع صفرا کند و معده را قوت
دهد صفت آن آب انار ترش دو من نعناع
تازه دو شاخ عود خام آمله مصطکی از هر یک
دو درم پوست بیرون پسته پنج درم کوفته
در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمن
آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند
بعد از ان مصطکی اضافه کنند شراب
آلو منهل صفرا و بلغم دفع کند صفت آن

الوی سیاه صد عدد تمر هندی یکچهار یک و
تخم بید سفید و بنفشه از هر یک بیست
درم در کیسه کنند و در بیخ من آب بجوشانند
تا بیکمن آبکی یك بماند و بپالایند و یکمن ترنجبین
صاف کرده اضافه نمایند و شراب بپزند
و فرو گیرند و یکمثقال سقمونیا در ان حل کنند
شراب خشخاش منع نزلات کند و رفتن سینه
و ششش را نافع باشد و بیخوابی را زایل کند
صفت آن خشخاش بزرگ با پوست
صد عدد نیم کوفته کنند و با دو من
و نیم آب بپزند و بپالایند و با یکمن و نیم
قند بشربت بپزند و اگر خشخاش بی پوست
بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند
و با یکمن قند بقوام آورند لیکن اولی آن
بود که با پوست بپزند شراب سیب
دل قوت دهد و مفرح بود و قی ساکن کند و
و اسهال صفرا باز دارد صفت آن
سیب

سقمونیا را محموده نیز گویند و انرا ماهی طولی شوی زند که میان به یا سیب خالی کنند و سقمونیا را در میان آن گذاشته سر شیرا به بندد و انرا در خمیر گیرند و در زیر خاکستر گرم گذارند که آتش ملایم تا وقتیکه آن سیب پخته شود او وقت برداشته سقمونیا را داخل هر چه خواهند کنند و الا اگر همچو مشوی را داخل نمایند سم قاتل و مهلک است

سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاك كرده
در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب
آن بگیرند و ده من بجوشانند تا بدو من آید
و یکمن قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام
آید شراب به دل را قوت میدهد و معده را قوی گرداند و اشتها طعام
آورد و طبع ببندد و قی و غثیان باز دارد صفت آن به ترش
و شیرین اندرون پاك کنند و آب آن بگیرند و هر یکمن آب
یکمن قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب ریباس اسهال
صفرای را باز دارد و حرارت بنشاند و تشنگی باز دارد و معده را
قوت دهد صفت آن ریواس را سر و دنبال دور کرده و صاف
چوبی در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و
کنند و بجوشانند تا صاف آید و زمانی بگذارند و بگر باره صاف
و هر یك من آن یکمن قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب لیمو
معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفرا را تسکین کند و قی
باز دارد و دماغ را قوت دهد و دفع خمار کند صفت آن
مانند حاضر است شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت
دهد و درد سر که از گرمی باشد ساکن کند صفت آن آب نارنج یکمن

بجوشانند تا بنصف آید و کف زرد آن بردارند و با نیم دو من
قند بشربت آرند شراب غوره تشنگی بنشاند و تب گرم را سود دارد
صفت آن آب غوره تموز بگیرند و بجوشانند تا بنصف آید و کف
آن بگیرند و زمانی بگذارند و بکرباس نو بپالایند و برابر آب آن قند
سفید اضافه کنند و شراب آرند شراب عود معده را قوت دهد و سینه را
و بوی دهان خوش کند و هاضمه را قوی گرداند صفت آن عود هندی
و آمله مقشر از هر یک ده درم سنبل و قرنفل و مصطکی جوزبوا از هر یک
دو درم مجموع کوفته و بیخته و در کیسه کتان بر بندند و در یک من و نیم گلاب
بجوشانند و کیسه را اندک بمالند تا قوت آن بگلاب فرو دهد و با یکمن
قند بقوام آورند و گلاب بر سر آن ریزند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام
آید فرو گیرند و نیم درم مشک خالص سوده در آن حل کنند شراب
حب الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن
حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرظ و طین ارمنی
از هر یک ده درم داروها کوفته و بیخته در آن آب بجوشانند تا غلیظ
آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس نسخه
دیگر اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن حب الآس بکوبند و بجوشانند
تا نیک مهرا شود و بپالایند و بهر دو جزو از آن یک جزو قند سفید اضافه

کنند و اگر قدری طباشیر سوده در آن حل کرده شود بهتر باشد شراب
دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بکشاید و سوء
القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن
تخم کاسنی نیم کوفته و ورق گل سرخ از هر یک یکدرم تخم کاسنی چهل درم
نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان [..] بسته ده درم
بجوشانند تا مهرا شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند
و ده مثقال ربوند چینی سابیده در آن حل کنند شراب ذوفا سرفه بلغمی را
نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد
شراب صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد و تشنگی
بنشاند صفت آن صندل سفید سابیده بیست مثقال در گلاب
خیسانند یک شبانروز و روز دیگر اندک جوشی بدهند و شیره
آن بگیرند و با یکمن قند بشربت آرند شراب انجیر گرده و مثانه را
نافع باشد و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و درد پشت را زایل کند
صفت آن انجیر خوب ده من در یکمن آب بجوشانند تا یکمن و نیم
بماند و باز یکمن نخود سفید در ده من آب بجوشانند تا به یکمن و نیم آید
و هر دو را بدست بمالند و یکمن و نیم عسل صاف کنند و دارچینی و خولنجان
و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه

انداز ند و بجوشانند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب نیلوفر صداع الحار

ونبهای صفراوی وسرفه وذات الجنب وذات
الریه را نافع باشد صفت آن گل نیلوفر یک
وقیه واگر تازه بود یک چهار یک بجوشانند و با
یک من قند سفید بجوشانند ویک باید
من قند بشربت بپزند شراب گاوزبان دل را
قوت دهد وسودای مزاج را بغایت نافع
باشد وخفقان را زایل کند صفت آن
گاوزبان تازه یکمن و با یکمن قند سفید
بجوشانند وکف آنرا بردارند وبقوام
آرند وبیست مثقال ابریشم دران ریزند وفروگیرند
واگر گاوزبان تازه نباشد یک چهار یک
خشک کنند شراب هلیله اوجاع مفاصل
ونبهای کرم را نافع باشد وطبع را نرم کند
صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته
کنند ودر ظرفی کنند وآب بر سر آن ریزند ویکجا
دارند ودیگر آب بر سر آن ریزند ویکجا دارند

سه روز

سه روز در آفتاب نهند وآب اول وآب
دوم را باهم بیامیزند وصد وپنجاه مثقال
ترنجبین دران حل کرده وصاف کنند وبر سر
آتش نهند وبقوام آورند وفروگیرند ویکمثقال
سقمونیا سوده دران حل کنند شراب ورد مکرر
مسهل صفرا بود ونبهای مرکبه را نافع باشد
صفت آن ورق گل تازه نیمن در دو من آب
بجوشانند تا هفت من آید وبپالایند و
نیمن دیگر برگ گل دران آب بجوشانند ودیگر
باره بپالایند وچند نوبت همچنین میکنند
تا بریک من آید صاف کنند وبایک من قند
بشربت بپزند سی درم باده درم سکنجبین وآب
برف یا یخ شراب عنبر درد معده واعصاب
را سود دارد وخفقان بارد را زایل کند
صفت آن عسل دو من در دو من آب
بجوشانند وکف آن بردارند وبقوام
آورند وعنبر وزعفران سوده از هر یک

یک مثقال اضافه کنند شربتی پنج درم شراب
مشک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را
نافع باشد و پیران را موافق بود صفت آن
عسل یک من قند سفید یک من در دو من آب
بجوشانند و بقوام آورند و یک مثقال
مشک و یک درم زعفران سوده اضافه کنند
شربتی سه درم شراب بر شیرین که نافع است
از جهت اسهال دموی و ضعف معده صفت
آن رب بر شیرین سی مثقال گلنار عذبر
آمله صندل سفید حب الآس از هر یک بیست
مثقال بطریق معهود شربت سازند صفت
شراب ابریشم جگر و دل و احشا را قوت
دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض
بارده را نافع بود و باه را زیاده کند و نشاط
آورد صفت آن ابریشم پنجاه درم در آب
آهنگران خیسانند سه شبانروز و بعد در دیگ
سنگی بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و

وخولنجان

وخولنجان و وج و مصطکی از هر یک سه درم
زعفران یک درم صلایه کرده اضافه نمایند
و با یک من قند بشربت بپزند شربتی چهار درم
شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و
وصداع بارد را و جمیع امراض دماغ را که سبب
آن برودت باشد سود دارد صفت آن اسطو
خودوس پرسیاوشان عود صلیب از هر یک
پنج درم اصل السوس و گاوزبان رازیانه پوست
بیخ کرفس تخم خطمی بنفشه گل سرخ از هر یک
سه درم مویز منقی سپستان از هر یک پانزده
دانه جوشانیده صاف کرده با یک من قند
بشربت بپزند شراب مفاصل پوست بیخ
کبر پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست مثقال
تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه ماهی
زهره سورنجان از هر یک ده درم پوست
بیخ کرفس بیست درم قند سفید یک من بطریق
معهود شربت بپزند شراب گوزن درد پشت

را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن
کوزه شسته پاکیزه ده من سر و بن ببندند ازند
و ده درم درم کنند و در دیگ سنگی اندازند
و آب بر بالای آن ریزند و سر دیگ را بگل خمیر
محکم کنند چنانکه بخار از وی بیرون نرود و
با آتش آهسته بپزند و بگذارند تا سرد شود
پس سر دیگ بگشایند و نیک بمالند و آب
آن بستانند و صاف کنند و با هم سنگ
آن عسل در دیگ ریزند و سنبل و خولنجان
و قرنفل و دارچینی از هر یک یکدرم زعفران
نیمدرم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در آن
دیگ اندازند و هر لحظه بدست می مالند
و میجوشانند تا بقوام آید شرابی [illegible]
کدا از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی نافع
صفت آن تخم کاسنی تخم فرنجمشک بالنگو
از هر یک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه
هفت درم و نیم ارسا دو درم و نیم اصل السوس

پنجدرم

پنجدرم رازیانه بسفایج فستقی از هر یک سه درم
و نیم در شش [illegible] ادویه گلاب و [illegible]
دو مقابل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند
تا ثلثی باقی ماند و با یکمن قند شربت بپزند
شراب قند بلغم را دفع کند و سرد مزاجان
را نافع باشد صفت آن زنجبیل دارچینی از
هر یک پنجدرم و هیل و قاقله کبار از هر یک
دو درم قرنفل مجموع نیم کوفته در هفت رطل
آب بجوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند
و با پنج من قند سفید بقوام آورند و نیم درم
زعفران ساییده اضافه نمایند شراب
عسل معده و جگر را گرم کند صفت آن سنبل
مصطکی دارچینی قاقله عود هندی هیل جوزبوا
از هر یک یکدرم قرنفل نیم درم مجموع نیم کوفته
در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید
بپالایند و با پنج رطل عسل بجوشانند و
بقوام آورند شراب فنجنوش سرعت

مقابل

سعد

انزال را دفع کند صفت آن آب انگور حلم
شش رطل سماق مازو و گلنار گل سرخ کشنیز
کند و صمغ سعد از هر یک ده درم زعفران
شب یمانی از هر یک یک درم خبث الحدید
سی مثقال بجوشانند تا ثلثی باقی ماند صاف
کنند و استعمال نمایند شراب دار و محب
مقوی اعضاء رئیسه است و نسیان و امراض
بلغمی و سوداوی را نافع است و باه را قوت دهد
و پیران را موافق باشد صفت آن انگور
صد من به شیرین سه من سیب اصفهانی
دو من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی
قرنفل مصطکی سنبل الطیب و کبابه چینی خیری و
خولنجان از هر یک پنج درم عود خام بسباسه
دوالدار از هر یک زعفران دو مثقال مشک
نیم مثقال عنبر یک مثقال سیب و به را در آب
انگور بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن بر کشند
و مشک و زعفران و عنبر را در گلاب حل کنند

و اضافه

و اضافه نمایند و ادویه را کوفته در کیسه کنند و در محل جوش نهند کیسه را
در دیگ اندازند و زمان زمان بدست بمالند تا شیره باز دهد
و چون شیره انگور در خم ریزند و کیسه نیز در خم اندازند و بعد از شش ماه
استعمال کنند شراب خبث الحدید معده را قوت دهد و باه را قوی
گرداند و لون را نیکو سازد و باد بواسیر را نافع باشد صفت آن تخم کرفس
رازیانه و زیره کرمانی انیسون نانخواه صعتر الجبال کاشم کوهی گشنیز
خشک دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرنفل جوزبوا تخم پیاز سعد
زنجبیل از هر یک یک مثقال و خبث الحدید ده مثقال در شش مقابل
ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند شربتی هر روز سه درم
شرابی که معده و دل را قوت دهد و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد
صفت آن آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ
سنگی کنند و قرنفل یک درم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان
و بادرنجبویه و گل سرخ از هر یک سه درم کوفته و بیخته در کیسه بسته
در دیگ اندازند و با آب سیب و به بجوشانند تا به نیمه آید در خم
ریزند و شراب ریحانی ده من در بالای آن ریزند و قند سفید یک رطل و نیم اضافه
نمایند و سر خم را بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن صاف
نموده استعمال نمایند شیاف احمر لین سلاف و علاوه اجفان و اشر ...

نافع باشد صفت آن شادنج علاجی مغسول ده درم مس سوخته
بیست درم صمغ عربی و کثیرا و مرصاف از هر یک سه درم لب درواید
ناسفته شادنج هندی چهار ده درم از هر یک دو درم الاخوین و زعفران
از هر یک یکدرم صلابه کرده شیاف سازند شیاف احمر حار سنبل و ظفر
و سلاف و بیاض را نافع بود صفت آن شادنج مغسول شش درم صمغ
عربی پنجدرم زاج سوخته از هر یک سه درم افیون صبر سقوطری از هر دو درم
زنگار سه درم و نیم زعفران مرا از هر یک دانگ و نیم کوفته بکر بیخته
شیاف سازند شیاف اخضر جرب و سبل و بیاض را نافع باشد
صفت آن زنگار سه درم اقلیمیا نقره اشق صمغ عربی سفیدآب ارزیز از
هر یک دو درم صمغ عربی و اشق را در آب سداب حل کنند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته بدان بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض
افیونی رمد گرم را نافع است و درد صعب را بنشاند و تخدیر کند
صفت آن سفیدآب ارزیز هشت درم صمغ عربی پنجدرم
افیون و کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند و شیاف
سازند شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع است و درد صعب را
بنشاند و تخدیر کند صفت آن سفیدآب ارزیز هشت
درم صمغ عربی پنجدرم افیون و کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ

بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی
رمد گرم را نافع است و درد صعب
را بنشاند و تخدیر کند صفت آن سفید
اب ارزیز هشت درم صمغ عربی پنجدرم افیون
و کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند
و شیاف سازند شیاف گل سرخ بر اند نسخه محمد
زکریا رمد را نافع بود و حدت او از حدت
ابیض کمتر است و بهتر است و بهترین و
سبکترین شیافهای گل سرخ چهار مثقال
افیون و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بد ستور معمول
شیاف سازند شیاف بریوما رمد را در روز
باصلاح آورد صفت آن شیاف ماميثا و انزروت
عنزروت مرلی از هر یک هشت درم زعفران
دو درم افیون نیم درم کوفته و بیخته باب
باران بسرشند و شیاف سازند و چه
با سفیده تخم مرغ بچشم کنند شیاف خلوقی
باد های ابر اکنند کنند و آماس ملتحمه را بنشاند

صفت آن مس سوخته ده درم عقاقیا ده درم کثیرا صمغ عربی سنبل زعفران
از هریک یک درم با آب باران شیاف سازند شیاف آنکه نافع باشد بادها را
که در چشم وجفن باشد کشیدن وطلا کردن صفت آن مس سوخته افیون
از هریک یک درم ونیم شیاف مامیثا از هریک نیم درم مروارید ناسفته
ولید از هریک یک درم اقاقیا نیم درم کوفته وبیخته با آب باران شیاف سازند
شیاف اصفر از جهت ابتدا نزول آب وتاریکی چشم را نافع باشد صفت آن
انزروت مربی شیاف مامیثا از هریک هشت درم مربوره ارمنی فلفل
ابیض از هریک چهار درم زرنیخ زرد دو درم زعفران یک درم ونیم کوفته
وبیخته شیاف سازند شیاف سماق جهت جرب وخارش جرب وخارش
وسوزش وجحوظ را نافع باشد صفت آن سماق ده مثقال با آب رازیانه
بپزند وبپالایند وباز بجوشانند تا غلیظ شود وبکار برند تا کرد شود
وده درم الفنداج از زیر آب بسرشند وشیاف سازند وبعد از آن
سماق را بجوشانند تا غلیظ میشود واکر دسماق بآن سرشته شیاف
می زنند شیاف ورد صعوبت درد چشم در حال بنشاند صفت آن
ورق گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده درم
سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یک درم با آب باران شیاف سازند
شیاف دیگر که نافع است درد حاره جدیده را وچشم را خشک کند

ولکنت برویانند صفت آن سفیداب ارزیز ده درم کندر وانزروت
از هریک یک درم افیون نیم درم کافور دو دانگ کوفته وبیخته شیاف سازند شیاف غوره
جرب وحکه وخشکی پلک را نافع بود صفت آن زنجبیل نیم درم هلیله زرد
صمغ عربی توتیای مغسول از هریک دو درم با آب غوره شیاف سازند شیاف
مرارات بستر دیگر ضعف بصر را وابتداء آب را نافع است صفت آن زهره ماهی
زهره عقاب زهره خروس روباه زهره شبوط خشک کرده مساوی با آب
رازیانه شیاف سازند شیاف مسهل قولنج بگشاید وصفرا وبلغم دفع کند
ودرد پشت را نافع باشد صفت آن سکبینج مقل جاوشیر اشق وشکاعی
هندی تخم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد سفید حب النیل چهار
با آب سداب حل کنند داروهای دیگر را کوفته وبیخته با آب بسرشند وشیاف
سازند هر یکی دو درم شیافی را که درد پشت وجمیع انواع مفاصل را که سبب
آن سردی وبلغم باشد نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بوره
ارمنی اشق زنجبیل سورنجان شقاقل تخم حنظل تخم کرفس دارزیانه انیسون
نمک هندی انزروت جندبیدستر زرنباد قسط ماهی زهره سعد
سداب خشک مساوی کوفته وبیخته با آب سداب تازه بسرشند
وشیافها سازند شیافی دیگر که درد پشت ووجع مفاصل وبواسیر را
نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل باد زرد شحم حنظل وبید انجیر ماهی

زهره بوزیدان از هر یک یک درم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم جند بیدستر
نیم درم باب کنند تا شیاف سازند شیاف قولنج بود ئمار مغز دو درم شحم حنظل
مقل سکبینج از هر یک نیم درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف
سازند شیافی که مقوی باه است صفت آن حلتیت فرفیون از هر یک
یک درم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که خون رفتن از [illegible]
باز دارد صفت آن کندر انزروت دم الاخوین کلنار سرزاج سفید
از هر یک یک درم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته و شیاف سازند
شیافی که شکم بر بندد صفت آن اقاقیا صمغ عربی کلنار کوماج بلوط برنج بریان کرده
ذرق بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد سرشته و شیاف سازند
شیافی که از جهت کرم کوچک که در امعاء سفلی اطفال باشد سود دارد
صفت آن شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان زرد
آلو تلخ مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند باب الصاد صبغی که بهق
ابیض را برنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب شیطرج قوه کندش
خردل کوفته و بیخته بسرکه ترکنند و در آفتاب بمالند صبغی که بهق
اسود را ببرد و رنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب ده درم کندش
و قسط از هر یک ده درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنگ را سرخ کند
صفت آن زعفران قوه کندش مصطکی مساوی کوفته باب هلیوس

حرف الضاد

ترساخته شب بمالند و صباح باب گرم بشویند صبغی که نشان آبله
و جراحات و ریشها ببرد و برنگ بدن آورد صفت آن مردارسنگ
شسته بیخ نی کهنه آرد نخود آرد برنج استخوان بوسیده مغز تخم خربزه
و حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه در کتان شب بمالند
و صباح بسبوس و آب گرم بشویند ضمادی که نافع است از جهت اورام
صلبه معده و جگر صفت آن زعفران و صبر از هر یک یک درم افسنتین
و سنبل از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته باب گرم ضماد کنند ضمادی
حی العالم که نافع است از هر یک جهت حرارت و ورم جگر صفت آن
بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل سفید از هر یک چهار درم
قصب الذریره دو مثقال کافور یک درم کوفته باب کشنیز تازه ضماد کنند
ضمادی که ورم جگر را نافع است صفت آن جو درست که خیسانیده
تا مهرا شود نیم درم طباشیر فوفل از هر یک نیم درم کافور دانگی افسنتین
ورق گل سرخ قصب الذریره صندل سفید [illegible] سیاف مامیثا از هر یک
یک درم کوفته و بیخته در لته کتان مالند و بر موضع جگر اندازند
ضمادی که شکم بر بندد صفت آن اقاقیا مامیثا آمله کندر سعد اذخر
مصطکی از هر یک نیم درم کعک ده درم کوفته و بیخته باب بر ضماد کنند
ضمادی که معده بارده را گرم کند صفت آن سعد مصطکی سنبل

قسط اقتین از هر یک پنج درم آملا دخر قرنفل دارچینی قصب الذریره
از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه
معده را تحلیل دهد صفت آن مقل حب البان تخم کرنب از هر یک
ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن
ناردین پانزده درم ضمادها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته
اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند ضماد الصندلین از جهت
معده و جگر گرم نافع است صفت صندل سرخ و سفید گل سرخ
شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب و قدری
سرکه ضماد کنند ضمادی که استسقای زقی را و استسقایی را که با آن
حرارت باشد نافع بود صفت آن آرد جو و سعد پشک گوسفند
کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند
ضمادی که نفخ طحال را سود دارد و صلابت را نرم کند صفت آن
سداب ده درم بوره ارمنی و فودنه از هر یک سه درم اشق هفت
درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه ضماد کنند ضمادی صلابت طحال را سود
دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی از هر یک چهار درم
واشنه و کرنماج از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد
دو درم انجیر ده عدد و انجیر را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در آن بگدازند

وبا ادویه

و با ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع
رحم و بواسیر را تسکین کند صفت آن زعفران افیون بزر البنج سپیده
مرغ از هر یک دو درم خطمی و تخم برزک از هر یک پنج درم زرده تخم
مرغ نیم بخته یک بیضه روغن استخوان زرد آلو ضماد کنند ضمادی
که از جهت فتق نافع بود صفت آن جوز السرو دو درم سعد
مرصع عربی مرزنجوش ماز و اقاقیا کندر از هر یک یک درم کوفته
و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی که پیکان را از بدن بیرون
آورد صفت آن اشق پیاز نرگس بیخ نی کوفته بعسل ضماد کنند ضمادی
که ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع بود صفت آن
حب الآس آمله عود گلنار برگ مورد پوست بیخ پوست سیب
گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته بگلاب
آب سیب ضماد کنند ضماد قسطار بون لقوه و فالج و صداع
و درد چشم و شقیقه و درد دندان را نافع باشد و نزلات
از چشم منع کند بر صدغین ضماد کنند و چون بر مثانه ضماد کنند
بول براند و چون بر گزندگی عقرب بمالند درد ساکن کند
و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضاء باطنه را نافع بود صفت آن
رعی الحمام دو درم رعی الحمام نوعی از کرفس است که رنگ ماش دارد

واز ماش قدری بزرگتر است موم سفید ده درم را بپنج سر درم
روغن زیت چهل درم در اتبیغ و روغن زیت را بگذارند وریع الحمام را
کوفته و بیخته اضافه نمایند وضماد کنند ضمادی که اگر بر معده نهند قی
آورد واگر بر ناف ضماد کنند شکم براند واگر بر عانه ضماد کنند حیض
براند صفت ان برنگ کابلی عصاره قثاء الحمار از هر یک سه مثقال
خربق سفید و مرداسنگ از هر یک چهار درم روغن زیت ده درم
موم سفید و پیه بز از هر یک پنج درم موم و پیه را در روغن زیت بگدازند
وباقی ادویه کوفته و بیخته بان ضم کنند و بر روی کاغذ باریک کشند و ضماد
کنند ضمادی که پوست بر گرد ناخن برخیزد با صلاح آورد صفت ان
مصطکی سه درم یا نوزده درم روغن گل بگدازند و دو درم نمک با ان
بیامیزند و بران ضماد کنند ضمادی که از جهت برص اظفار نافع باشد
صفت ان زرنیخ سرخ شب یمانی گوگرد از هر یک یک درم زفت
رومی ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند و داروهای کوفته
و بیخته بان بسرشند و ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی را سود
دارد صفت ان بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت
فودنه از هر یک ده درم ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته و بیخته
با آب سداب ضماد کنند ضمادی که ورم بلغمی معده را نافع بود صفت ان

[illegible]

چعده پنج درم اکلیل الملک حماما بابونه شبت مصطکی از هر یک دو درم
افسنتین صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم بیخ خطمی
پانزده درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید
سی درم ضماد کنند چنانکه رسم است ضمادی که تخم کند بواسیر را نافع
مقل ازرق از هر یک پنج درم بر روغن گاو سرشته ضماد کنند
ضمادی که فروج مقعد را نافع باشد صفت ان افیون زعفران
از هر یک نیم درم نمک مرداسنگ یک مثقال سفیداب ارزیز
نیم درم روغن گل پنج درم ضماد سازند چنانکه رسم است ضمادی که بول
الدم را حبس کند صفت ان گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه
کثیرا ورق گل سرخ گلنار شاخ گوزن سوخته عصاره لحیة التیس
از هر یک ده درم مازو یک درم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند
ضمادی که نگذارد که پستان بزرگ شود صفت ان ودع سوخته
آرد جو مساوی بسرکه بسرشند و در هر ماهی سه روز متواتر ضماد
کنند صفت ان آرد جو ده درم باقلا پنج درم اقاقیا یک درم سفیده
تخم مرغ یک عدد بیضه باب گشنیز ماتازه و آب کاسنی ممزوج ساخته
ضماد کنند ضمادی که اماس بن گوش را بنشاند صفت ان پیه
بط و مرغ از هر یک پنج درم بگدازند پنج درم بسفنایج کوفته

ضمادی که ورم خصیه را بنشاند
[illegible]

کوفته بآن بسرشند وضماد کنند ضمادي که اسهال را که بسبب ضعف است
قوت هاضمه وبرودت جگر باشند نافع بود صفت آن سنبل قصب الذریره
افسنتین قشور کندر مصطکی لادن برگ مورد ورد گل سرخ
از هر یکی ده درم پوست انار ترش واملج از هر یک پانزده درم پوست
کوفته وبیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادي که درد بواسیر را بنشاند
صفت آن مقل کوهان شتر مغز ساق گاو مغز استخوان زردآلو
میعه زردهٔ تخم مرغ در روغن گاو که پیاز در آن جوشانیده باشند حل کنند
وضماد کنند سازند وپیاز بروغن گاو بریان کرده نیز ضماد کنند نافع است
ضمادي که شیر زنان زیاده کند صفت آن آرد باقلا ده درم تخم
بادروج پنج درم کوفته وبیخته به آب بادروج ضماد کنند ضمادي که اطفال را
که ناف بیرون آید صفت آن شب یمانی سه درم ماز وسعد ده
کوفته وبیخته به شش درم سرکه ضماد کنند وبوفاده محکم ببندند ضمادي
که نقرس گرم را سود دارد صفت آن آرد جو بیست مثقال درم
افیون سه درم به آب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادي که نقرس
مرکب را نافع بود صفت آن معات خطمی تخم مرو آرد جو سبوس نخود
مساوی بروغن گل وزردهٔ تخم مرغ ضماد کنند ضمادي که جمیع انواع
مفاصل را نافع بود صفت آن بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست درم

اشق وجاوشیر مقل از هر یک ده درم موم وسرکه از هر یک پنج درم
روغن شبت بیست درم ضماد کنند چنانکه رسم است ضمادي
که جمیع امراض واورام حاره را در ابتدا نافع باشد وماده را ردع کند
صفت آن شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب
ضماد کنند ضمادي که بواسیر ودرد مقعد وزحیر را نافع بود صفت آن
مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر
مر از هر یک پنج درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یک درم
ونیم مقل یک درم افیون دانگی روغن گل بیست درم بطریق معهود ضماد
کنند ضمادي که مخصوص بواسیر است صفت آن مغز استخوان زردآلو
پنج مثقال سه بطیخ درم مقل دو درم زفت یک مثقال ونیم ضماد
سازند ضمادي که ورم خصیه را نافع بود صفت آن آرد
باقلا حلبه بابونه زیره سوس منقی بروغن کنجد ضماد کنند طلایی
که موی را از ریختن نگاه دارد صفت آن برسیاوشان لادن
افسنتین حب الغار مساوی کوفته ودر روغن مورد بیزند وطلا
کنند طلایی که سبوسهٔ سر را ببرد صفت آن لعاب برگ چغندر حب الغار درم
بوره ارمنی دو درم زهره گاو یک درم بعسل بسرشند وبر سر طلا کنند
طلایی که منع انبات موی کند صفت آن وزغ را در سایه خشک

حب الطعام

کنند و لبسایند و خون لاله بیت شهری خشک کنند و آهک
و بورهٔ ارمنی و مرداسنگ و صدف سوخته از هر یک قدری
با آب ببرشند و چون موی بغل و عانه بر کنده باشند بران طلا
کنند و نیک بمالند دیگر موی نرویاند و جمیع مبرهات و مخدرات
این خاصیت دارند مثل آنکه اگر موی از موضعی بر کنند و آن موضع را
به بنگ و افیون و شوکران بپخته طلا کنند چند بار منع انبات میکند
طلاییه که موی برویاند و داء الثعلب را نافع بود صفت آن لادن
سوخته و چوب کتان و گل شقایق با روغن طلا کنند یا برگ مورد
کوفته با لادن و روغن مصطکی بمالند یا فقاع اذخر و قرنفل
و سعد و مازو کوفته و بپخته با شراب طلا کنند یا سم استر سوخته
با روغن دنبه بمالند بعد از آنکه بپیاز عنصل چندان مالیده باشند
که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زبد البحر و رتها نف سوخته بروغن
زیت طلا کنند همین عمل کند طلاییه که حکه و جرب یابس را نافع بود
صفت آن مغز استخوان زردآلو تلخ تخم ریواس از هر یک بیست درم
نمک طعام و زیبق مقتول از هر یک دو درم مجموع را در بیست درم
ماست ممزوج سازند و در حمام طلا کنند و یکساعت بگذارند
پس بشویند طلاییه که از جهت جرب نظیر ندارد و مکرر

بجو برسیده صفت آن گوگرد حنا از هر یک مثقال پوست
هلیله زرد زیبق مقتول شیطرج هندی از هر یک نیم مثقال
فلفل دانگی و روغن دنبه بیست مثقال بطریق معهود بیکدیگر
ممزوج سازند و شب بمالند و صباح در حمام بسبوس و سرکه
و آب گرم بشویند طلاییه که از جهت حکه نافع است صفت آن
تخم خشخاش و تخم اسفاناج کوفته و در سرکه خیسانند و در حمام
بمالند طلاییه که حکه خصیه را نافع است صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر دانگی زعفران
یک طسوج کوفته و بپخته و بروغن گل سوری که تر کرده طلا کنند طلاییه
که قوباء را نافع است صفت آن گوگرد دو درم سفیداب هشت
درم سوبنج یکدرم بسرکه طلا کنند چنانکه رسم است طلاییه که
سوختگی آتش را نافع است صفت آن عدس مقشر و گل سرخ
بپزند تا مهرا شود پس سفیداب و آرد جو و روغن گل بان بیامیزند
و طلا کنند طلاییه که ثوالیل و آماس نرم کند که بعد از بیمار بهای دراز
در دست و پا و در چشم و روی پیدا شود زایل کند صفت آن
صبر اقاقیا سعد شیاف مامیثا زعفران حضض گل ارمنی کوفته
و بپخته بسرکه و آب عنب الثعلب طلا کنند طلاییه که صداع را نافع بود

صفت آن مر زعفران افیون بزرالبنج کنند و مساوی بگلاب
نوکوده بر صدغین طلاییه که اسهال وقی باز دارد صفت ان گل سرخ
پنجدرم اقاقیا گلنار وماز و شب یمانی جوز السرو صندل سرخ
وسفید عدس برگ مورد سه درم از هر یک طباشیر دو درم بآب
به بر شکم و معده و پشت طلا کنند طلاییه که ورم حار و جگر را نافع باشد
صفت ان بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم گل سرخ
چهار درم صندل سرخ وسفید بابونه اکلیل الملک تخم کشوث کاسنی
تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم ریوند
چینی یکدرم سنبل نیم درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند
طلاییه که افراط حیض باز دارد صفت ان گل سرخ عدس مقشر
از هر یک پنجدرم اقاقیا گلنار صمغ لیس از هر یک سه درم گل ارمنی
چهار درم بلوط و طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب برگ عانه
و پشت طلا کنند طلاییه که از جهت سعفه که در بدن اطفال مبتلی
شود صفت آن زرده چوب حنا زراوند مرداسنگ پوست
انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلاییه که از جهت سعفه کهنه نافع باشد
صفت آن نمک سوخته زاج سوخته کوگرد خاک زنبق ماز و زرد چوبه
زراوند مرداسنگ کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه طلا کنند طلاییه

که سعفه نورا نافع بود صفت ان نمک و اشنان لبسوکه توکرده چند
نوبت بمالند واگر صالح بود عراقی بگلاب بپزند تا کف بر آید بعد از ان
بیخ بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه
نمایند و طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بآب گرم بشویند سعفه را
مستاصل نماید طلاییه که شبش را دفع کند صفت ان موبیزج سوده
از هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مقسول یکدرم پس که
و روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن گل یا کاو شیر چرب کنند
و یا بر آبی که در ان گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند
بغایت نافع است طلاییه که برص را برد صفت ان شفندان سفید
زرنیخ سرخ مساوی کوفته بنشتر پاره طلا کنند طلاییه که از جهت کلف نافع
باشد صفت ان ترمس تخم ترب قسط مغز بادام تلخ بوده ادریف
فلفل بقل مساوی باب برگ ترب طلا کنند طلاییه که بهق و برص را زایل
کند صفت آن قوه کنندش شیطرج خردل تخم ترب ماذریون شحم
حنظل خربق سیاه و سفید موبیزج سقمونیا از هر یک یکجزو شقایق
دو جزو کوفته و بیخته در سرکه خیسانیده یکشبانه روز روز دیگر طلا کنند
طلاییه که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند صفت آن آله
افسنتین سه درم برگ شفتالو ده درم زهره گاو یکصد درم بر حوالی

ناف طلا کنند طلایی که چون بر پیشانی و پشت چشمها مالند ابتداء
رمد را سود دارد و ماده را ردع کند صفت آن شیاف مامیثا صبر
حضض گل سرخ فوفل زعفران مساوی با آب کشنیز تازه یا آب
کاسنی طلا کنند طلایی که صداع بارد را نافع بود صفت آن مشک
صبر فرفیون جند بیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یکی دو دانگ
افیون دانگی و نیم با آب کرفس یا آب مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ
پاره کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند طلایی که نقوه را سود
دارد صفت آن صبر حضض یکی از هر یک یک درم زعفران دو دانگ بگلاب
طلا سازند طلایی که شکم ببندد و اسهال باز دارد صفت آن اقاقیا
سعد کوفی کندر کعک جوز السرو و ماز و گل سرخ آمله گل ارمنی کاورس
برنج عدس بلوط کنار بزر البنج صندل با آب مورد یا آب به بر شکم
طلا کنند طلایی که استسقا لحمی را نافع باشد صفت آن دریمنه
ترکی صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا
کنند طلایی که منع آبستنی کند و اگر آبستن بود بچه بیندازد
صفت آن سداب خشک نطرون مساوی کوفته و بیخته
با آب سداب تر بسرشند و در قضیب الحمار مالند و مباشرت
نمایند طلایی که بر آبستنی معین باشد صفت آن حب بلسان

جاوشیر

جاوشیر مقل و باد کرم آورد مساوی کوفته و بیخته بر قضیب با زهره گاو
طلا کنند و بگذارند تا خشک شود بعد از آن مجامعت کند زن
آبستن شود طلایی که همین خاصیت دارد صفت آن برگ سنجد
خشک بکوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلایی
که کراهت عرق زایل کند صفت آن مسک گل سرخ سنبل شب یمانی
سعد مر از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب تر سازند و قدری
بر بدن طلا کنند طلایی که ضنان را زایل کند صفت آن راسن زراوند
طویل برگ خیار کاغذ آبگینه مجموع سوخته زعفران را مساوی کوفته
و بیخته با آب مورد بسرشند و گلولها سازند و خشک کنند
و بعد از آن بغل را بخراشند تا خون آلود شود و یک گلوله از آن
بگلاب سوده در آن مالند و یکشبانروز رها کنند دیگر آن ضنان
نباشد طلایی که منع نزلات کند صفت آن اقاقیا صبر شیاف
مامیثا حضض ملکی گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته به سفیده تخم
مرغ بسرشند و به پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که حیض براند صفت آن
اسارون یک درم سداب نیم درم رازیانه دو درم لوسا سرخ نیم درم
عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند
طبیخی دیگر که همین خاصیت دارد نافع است مرد را زنان چون منی ایشان

محبس باشد صفت آن افسنتین درمنه ترکی ترمس سداب
رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنج عدد کلفته ده مثقال
بجوشانند چنانکه رسمست و صاف کنند سه روز متوالی بخورند سه روز
دیگر استراحت کنند باز سه روز دیگر هم بنوشند همچنین عمل میکنند
تا او را از تمام واقع شود طبیخ دیگر که قی باز دارد و معده را قوت
دهد صفت آن انار دانه ده درم مصطکی و اقماع خشک از هر یک
یکدرم در یک و نیم رطل آب بجوشانند تا نیم آید صاف کنند و عود
و مشک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه کنند و بنوشند طبیخ
دیگر که حیض براند صفت آن تو بنای بیخ حلبه انیسون قوه از هر یک
چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید صاف
کنند و قدری شکر اضافه نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند طبیخ دیگر
که همین منفعت دارد صفت آن تو بنای بیخ سه درم قراسیون قوه از هر یک
چهار درم فودنج دو رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و قدری
صمغ منقی اضافه کنند و هر صباح سه درم بنوشند باب العین
عطوسی که فالج و سکته و لقوه و امراض بارده را نافع بود و درد شقیقه
و دماغ را دفع کند و غسل البول الاسود دارد و اتراح منقیه کند صفت آن
کندش شونیز فرفیون فلفل جند بیدستر زراوند مدحرج حب بلسان

ده درم ذرنج دوم ۱۲

مشک عاقرقرحا

مشک عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند
عقد سیماب از جهت سرعت انزال نظیر ندارد صفت آن
زیبق پنج مثقال با قدری سرکه بدسته آبکینه با هاون سنگ صلایه
نمایند تا کشته شود سه مثقال نمک هندی سوده داخل نمایند
و مغرفه آهنی پر از سرکه سازند و اینها را دران مغرفه ریزند و بر آتش
نهند و سه مثقال روی محرق صلایه کرده اندک اندک بخورد آن
میدهند و بدسته آبکینه بخورد دان میدهند و بدست آبکینه
با آهن بهم میزنند تا بلغمه شود بعد ازان انرا بوصله مثقال
پاک بپالایند انچه در کرباس بماند بستانند و چندان بشویند
به آب که پاک شود و چرک ازان برود پس آنها را کلوله سازند
و میان انرا سوراخ کنند و ریسمانی دران بگذارند و در آب
لیمو اندازند و یکشب بگذارند تا محکم شود مثل حجری و بعد ازان
روغن را ماده نوبت بجوشانند و در وقت حاجت در دهن
نگاه دارند و چون خواهند که انزال بشود از دهن بیرون
آورند والله اعلم غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت آن
مویزج دانکی و نیم عاقرقرحا و خردل از هر یک نیم درم کوفته که قلاع و استرخاء
لثه و زنجه را نافع باشد صفت آن سماق برک مورد کل سرخ

حرف العین

زیتون جوشانیده وصاف کرده رب توت ده درم اضافه نمایند
وغرغرهٔ دیگر که نافع است از جهت سرفه که سبب آن نزله باشد
صفت آن گلنار گل سرخ خرنوب بجوشانند وصاف کنند وپیش
از خواب غرغره کنند غرغره که روی را سفید کند وصاف کند وبراق
کند صفت آن آرد جو آرد نخود باقلا نشاسته کتیرا تخم
ترب کوفته وبیخته بشیر تر سازند وشب بروی مالند وصباح
باب گرم وسبوس مالند غرغره که همین خاصیت دارد صفت آن
آرد جو باقلا آرد نخود از هر یک جزو نیم مغز تخم خربزه دو جزو
بسفیده تخم مرغ سرشته شب مالند وصباح بآبی که در آن
پوست خربزه وبنفشه جوشانیده باشند بشویند غسولی
که همین منفعت دارد صفت آن باقلا مقشر کرسنه ترمس
تخم ترب مغز تخم خربزه نخود نشاسته کوفته وبیخته روی را
بدان بشویند باب الفاء فنجوش معده را قوت دهد وبواسیر را
نافع بوده وباه را زیاده کند ورنگ را نیکو گرداند ودفع سرعت انزال
کند صفت آن پوست هلیله کابلی وهلیله سیاه پوست بلیله وآمله
مقشر وشیطرج هندی وسنبل الطیب وفلفل ودار فلفل وزنجبیل
وسعد از هر یک ده درم تخم شبت وتخم کندنا از هر یک چهار درم

خبث الحدید صد درم عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را
چهار روز شبانروز در سرکه خیسانند بعد از آن خشک کنند
وصلایه نمایند چنانکه بر روی آب بایستد وبر تاب فرو نرود
وباقی ادویه را کوفته وبیخته اضافه نمایند ولعل معجون نمایند
وبعد از شش ماه استعمال کنند فیروزنوش ممسک معده را
قوت دهد وباه را زیاده کند وسرعت انزال را دفع نماید صفت آن
پوست هلیله کابلی شیطرج هندی تخم کرفس خرنوب اقسط تلخ
سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان نارمشک از هر یک شش درم
پوست بلیله آمله مقشر نانخواه دار فلفل از هر یک چهار درم توج
قرفه سنبل جوز بوا زنجبیل قلفلمویه از هر یک هشت درم سعد ده درم
مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه
روغن گاو چهل مثقال عسل ده وزن نیم ادویه بطریق معجون سازند
وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بو بر زند ترتیب
ما بشر بازه فنداریقون درد معده وامعا را رود دارد معده را
گرم کند وبادها را بشکند صفت آن زعفران الجذان تخم سداب
تخم کرفس زنجبیل تخم حات مغز حلقوره از هر یک شش درم عسل
بوزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال فلونیا رومی این معجون مبارکست

در بیان

سنز لها باردواد و مکتونها ساکن کند و قی و دم و اسهال دموی و قولنج
و هیضه و سیلان طمس را نافع بود صفت آن فلفل سفید دار فلفل
بذر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال
تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال
ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فرفیون از هر یک یک مثقال و در بعضی
نسخها تخم را بعوض تخم کرفس نبطی دو قوا کوه اند مجموع کوفته و بیخته بعسل
معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی دانگی تا نیم مثقال
از جهت درد معده قولنج در طبیخ شبت و از جهت درد گرده در طبیخ
جعده و از جهت درد معده در طبیخ انیسون و از جهت سبز
با سکنجبین و از جهت گرده و مثانه در طبیخ رازیانه و از جهت باز
داشتن خون در طبیخ سماق دهد فلونیای فارسی استفراغ خون را
از هر موضع که بوده باشد باز دارد و رحم را قوت دهد بادها را
دفع کند و محافظت جنین کند و اسهال و قی را باز دارد و درد را
بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه را زیاده کند صفت آن
فلفل سفید بذر البنج از هر یک بیست درم افیون و گل مختوم از هر یک
دو درم زعفران پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم
جندبیدستر یک درم زرنباد و درونج عقربی [illegible]

مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته
و بعد از آن شش ماه استعمال نمایند شربتی یک درم فوذنج
کوهی درد معده و جگر که سبب آن برودت باشد و حمیات بلغمی
بلغمی و تب ربع دستهای کهنه زایل کند صفت آن فوذنج
شهری فوذنج کوهی و قطراساليون و سیسالیوس از هر یک دو درم
تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم فلفل سیاه چهل
و چهار درم کاشم پانزده درم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه
عسل مصفی بسرشند شربتی یک درم با آب گرم فلافلی درد معده
و شهوت کلبی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند
و طعام را هضم کند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک
سی درم حب بلسان ده درم حماما و سنبل از هر یک دو درم
زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن از هر یک
یک درم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل بسرشند و شربتی
یک درم با آب گرم فتیله که رعاف باز دارد صفت آن کندر
گرد آسیا مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته نرم بیخته
بوجاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند در بینی
نهند بعد از آنکه بینی بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله

درم

که کند بعد ببرد صفت آن مر پوست انار ترش از هر یک دو درم
قصب الذریره بزر البنج از هر یک یک درم و نیم زاج و قرنفل از هر یک
یک درم فتیله را بشراب تر کنند و این دواها کوفته و بیخته
بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را نافع
باشد صفت آن زاج سیاه شب یمانی مازو توبال مس سوخته
از هر یک نیم درم زراوند طویل شش درم کندر دوازده درم مجموع
کوفته در ده من آب بریزند و بپالایند و باز بجوشانند تا بقوام آید
و فتیله را بدان آلوده میکنند و در بینی می‌نهند فتیله که جشم را
نافع باشد صفت آن سعد صبر سنبل گل سرخ قرنفل سوخته
قرنفل کوفته و بیخته با آب فودنه بسرشند و در بینی نهند بعد از آنکه
بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر شونیز را
بریان کنند و بکشایند و در سرکه خیسانند و با قدری روغن زیت
در بینی چکانند همین عمل کنند فتیله که نافع است از جهت
وجع گوش و ریم که از گوش آید صفت آن انزروت تخم مرو بعسل
سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی
گوش را ببرد صفت آن انجیر سفید موبر را بشکافند و تخم حسل

از وی جدا کنند و بوره ارمنی و قرومادا و خردل از هر یک
جزوی کوفته بدان بسرشند و فتیله سازند و در گوش
نهند و خردل و انجیر کوفته در گوش نهادن همین عمل کنند
فرزجه که اخراج مشیمه کند و اخراج جنین میت کند صفت آن
زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف از هر یک جزوی کوفته
و بیخته و بزهره گاو زمانی بسرشند و فرزجه سازند فرزجه
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن تخم خیار
خردل سفید مقل از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قنطرای
بسرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که بچه مرده و زنده
بیندازد صفت آن اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز
سداب فراسیون از هر یک قدری کوفته و بیخته بروغن
زیت سرشته استعمال نمایند فرزجه که آبستنی را معین بود
صفت آن سرگین برگوهی و مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته
و بیخته بعسل معجون کنند و بر لینم پاره فرزجه سازند فرزجه
که همین خاصیت دارد صفت آن مشک و زعفران سوده
بزهره گاو بسرشند و بر لینم پاره استعمال نمایند فرزجه که همین
منفعت دارد صفت آن مایه خرگوش دارچینی عنبر زاج و نبات را

مساوی کوفته و بیخته بگلاب بسرشته استعمال نمایند فرزجه
که همین عمل کند صفت آن ماميران حبشی سورنجان مصری
صبر رازیانه تربد البجار از هر یک دانگی باشکر سرخ فرزجه سازند
فرزجه که همین منفعت دارد صفت آن میعه سایله
جند بیدستر مو قسط ماز و جاوشیر مقل سک کوفته فرزجه
سازند بعد از طهر چند نوبت و بعد از چهار ساعت مباشرت
نمایند فرزجه دیگر همین عمل کند صفت آن مایه و سرگین
خرگوش و مایه او بعسل بسرشته بر پشم پاره بر دارند شب
و بعد از آن مجامعت کنند فرزجه دیگر که بچه مرده فرو دارد
صفت آن مو جاوشیر خربق سفید مساوی کوفته
و بیخته بزهره گاو بسرشتند و استعمال نمایند فرزجه که منع حبل کند
صفت آن ماز و حب الاس مساوی کوفته و بیخته باب گرم
سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت استعمال نماینده
فرزجه دیگر که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع باشد و ورم صلب
رحم نرم کند صفت آن بابونه پیه بط افیون موم مساوی
بر پشم پاره بردارند فرزجه که حکه رحم که آنرا ابنة النسا گویند
نافع بود صفت سداب پوست انار نعناع عدس مقشر در گلاب
و قدری سرکه بپزند و به پشم پاره بخود بگیرند فرزجه که همین منفعت دارد

صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگی مو دار سنگ دو دانگ
حب الغار نیم درم کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ و روغن گل سرخ
بسرشتند و فرزجه سازند فرزجه که حیض ببندد صفت آن
گلنار کندر ماز و سرمه اقاقیا شب یمانی مساوی کوفته و بیخته
بارب لسان الحمل بسرشتند و فرزجه سازند و بر پشت عانه
طلا کنند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن کاغذ
سوخته اقاقیا گلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ ماز و وحل
لکان ساخته مساوی کوفته و بیخته بسرکه بسرشتند و استعمال
نمایند فرزجه که حیض را براند صفت آن مو بودنه از هر یک چهار
درم ابهل هشت درم سداب ده درم مو بن منقی بیست
درم کوفته بزهره گاو بسرشتند و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب
رحم را نافع بود صفت آن کندر مقل بارزد وارد از هر یک
دو درم زعفران جاوشیر اشق از هر یک یک درم مصطکی جند بیدستر
میعه سایله روغن سوسن پیه بط روغن بابونه از هر یک سه درم
صمغها را در سرکه حل سازند و پیه را در روغن بگدازند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بدان بسرشتند و استعمال نمایند قرص
افعی بدانکه انواع افعی بسیار است و آنچه در تریاق فاروق مستعمل

حرف القاف

کشتنه مار اشقر سیاه باید که سیاه سخت زهرناک باشد
و زهر آن بد بود و سفید ضعیف باشد و اشقر معتدل
و جوان و تندرست باید و نشان جوانی آن آنست که حرکتهای
او قوی باشد و سریع الحرکت باشد و نشان تندرستی آن
آنست که سر برافراشته دارد و چشمهای آن سرخ بود و دلیر باشد
و ماده باید زیرا که زهر ماده ضعیفتر از زهر نر بود و نشان
مادگی آن آنست که در دهن چهار دندان زهر باشد که آنرا
پیش دندان گویند از هر جانبی دو تا و نر را یکی باشد و مخرج
ثقل او و فرج او بدنبال او نزدیک بود و دنبال او دراز باشد
و این را مادگیران کلته دم گویند و پوست شکم آن صلب باشد
زیرا که صلابت علامت آن بود که در تن او رطوبات فضله
کمتر است و سر پهن باید از برای آنکه سر پهن علامت قوت
دماغ است و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد
و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار یا در اول
تابستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای آن در میان درختان
نباید خاصه درخت بلوط و به آب نزدیک نباید و زمین شوره
نباید بلکه در صحرای پاکیزه بود و بهتر آن باشد که در محلی از اکبر باشد

و بکشند

و بکشند تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلود نگردد و تشنه و بیمار
نگردد و کشتن او چنان باید که بمقدار چهار انگشت از سر و دنبال
او بیک ضرب بیندازند و به تیشه تیز چنانچه قطعاً هیچ پوست بروی نماند
و بیک ضرب جدا شود زیرا که زهر در دهان و جانب سر او باشد
و فضلهای بد در جانب دنبال او و چون کشته باشند نظر کنند اگر
از و خون بسیار آید و بسیار حرکت کند و تا دیرگاه حرکت کند نیک
باشد و اگر زود از حرکت فرو ماند ضعیف باشد بدین کار نشاید
و اگر شایسته این کار بود که شکم آن بشکافند و پاک کنند و توبتو
آنرا باز کنند و آنرا به آب صافی بشویند چند نوبت پس در آب
صافی چند نوبت دیگر اندک نمک باشند و شاخ چوب شبت
بجوشانند تا جدا شود گوشت را با چهار دیگ وزن آن نان سفید
پاکیزه بریان کرده بکوبند و بر آن آبی که از آن پالوده باشند
بسرشند و دست و بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص
بسازند هر یکی یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا اثر نم
در آن نباشد و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در محل کلین
افعی گرفتن و قرص ساختن بینی بگیرند تا بوی او بدماغ نرسد قرص
آید روغن مستعمل از تریاق فاروق در این نسخه اختیار شد

ابن اسحاق است صفت آن دارشیشعان قصب الذریره
اسارون عود بلسان فوه سلیخه مصطکی از هر یک شش مثقال
دارچینی وحماما از هر یک بیست وچهار مثقال اقحوان بیست مثقال
کوفته وبیخته بشراب ریحانی بسرشند ودست را بروغن بلسان
چرب کنند واقراص سازند ودر سایه خشک کنند قرص ادر
ومعا کرد مخلص اکثر مستعمل است صفت آن حماما دار
شیشعان قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض نانخواه از هر یک
سه مثقال فوه یکمثقال نمایند ودر سایه خشک کنند قرص کوکب
الارض معده ضعیف را قوت دهد ونگذارد که فضول بدان
مندفع شود وچون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع باشد
ومنع نزلات کند وچون باد در دبا او بیامیزند ودر دندان کرم
خورده نهند درد ساکن کند وچون با آب مرزنگوش در دهان
چکانند درد بنشانند ونفث الدم وسیلان خون از هر موضع
که باشد باز دارد وکهنه را سود دارد وتبهای دایره را نافع باشد
وچون با مرزنگوش دهند وچون با آب سداب بیاشامند جمیع
زهرهای جانوران را نافع باشد واگر بشراب بنوشند اسهال
دموی را وقرح امعا ومثانه را نافع باشد صفت آن مرجند
بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم

انیسون زعفران

زعفران (افیون) قسط کوکب الارض که آنرا طلق نیز گویند از هر یک پنج درم
انیسون دوقو اسیسالیون بزرالبنج میعه سایله تخم کرفس
از هر یک هشت درم صمغ چهار درم شراب ریحانی حل کنند وداروها
دیگر کوفته وبیخته بآن بسرشند واقراص سازند قرصی یکدرم
در سایه خشک کنند قرص طباشیر ملین سینه وخشونت
سرفه را وتبهای محرقه را نافع بود وطبع را نرم کند وتشنگی بنشاند
صفت آن طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم مغز
تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر یک یکدرم لعاب
بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر ممسک تبهای صفراوی
نافع باشد وشکم ببندد وخون باز دارد وتشنگی بنشاند صفت آن
گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی ده درم
طباشیر سفید سماق زرشک منقی از هر یک هفت درم کوفته
وبیخته بگلاب بسرشند وقرص سازند قرص طباشیر لولوی
مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال بسد کهربا تخم
حماض بروی طرانیث وصمغ عربی از هر یک ده درم خشخاش بریان
کرده بخدسم شاخ بز کوهی سوخته پوست بیضه سوخته صمغ عربی از هر یک
سه درم کشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید وسیاه
از هر یک شش درم وذع سوخته بزرالبنج از هر یک دو درم کوفته وبیخته

بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص زرشک صغیر زرشک
مقشر پانزده درم ریوند چینی وسنبل ازهریک یکدرم بلعاب
بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک بارد زرشک منقی نخدرم
رب السوس یکدرم ونیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاشنی
ازهریک دو درم ونیم بگلاب اقراص سازند شربتی دومثقال
بسکنجبین واب کاشنی واب عنب الثعلب قرص گل درد معده
وتبهای بلغمی را نافع است صفت آن ورد گل سرخ شش درم
رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو درم
عصاره غافث چهار درم کوفته وبیخته بمنقع سرشته قرص
سازند قرص کاکنج قروح کلیه ومثانه وبول الدم را نافع بود صفت آن
مغز تخم خیارین کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته
صمغ عربی دم الاخوین وکثیرا کندر ازهریک ده درم تخم کرفس
ده درم افیون دو درم باب صافی اقراص سازند شربتی یکدرم یا یک مثقال
قرص مقل ورم صلب معده را نافع باشد صفت آن گل سرخ
ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران ومر ازهریک یکدرم
قسط ومغز بادام تلخ ازهریک یکدرم ونیم مصطکی دو درم ونیم
مقل سه درم مقل در شراب حل کرده وداروهای دیگر کوفته وبیخته
بان بسرشند واقراص سازند قرص کافور یرقان وتب گرم را سود دارد

صفت ان زرشک منقی طباشیر گل سرخ ازهریک هفت درم تخم
کاهو تخم خربزه ازهریک پنجدرم صندل سفید ورب السوس ازهریک
دو درم کافور یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی
دو درم باسکنجبین قرص کافور بنسخه دیگر دق وتب حرقه را
ازهریک نافع باشد وتشنگی بنشاند صفت ان طباشیر تخم کاهو
ازهریک پنجدرم تخم کاشنی رب السوس صندل سفید ازهریک
سه درم تخم خربزه مغز تخم کدو ازهریک هفت درم ترنجبین
ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص
شرم وهلیله زرد مساوی کوفته وبیخته قرص سازند شربتی
دانگی باسکنجبین وبند ریح می افزایند قرص افسنتین
درد معده را که از عقب طعام باشد سود دارد صفت آن
افسنتین تخم کرفس انیسون ازهریک پنجدرم سلیخه بیست درم
فلفل چند بید ستر افیون ازهریک دو درم کوفته وبیخته باب صافی
اقراص سازند قرص ابرسا بیرز صلب را نافع بود ونرم سازد صفت آن
ابرسا چهار درم فلفل سفید واشق ازهریک دو درم اشق را در سرکه
حل کنند وباقی دوبر را کوفته وبیخته بان بسرشند واقراص سازند
شربتی دو درم باسکنجبین قرص فنجنکشت سده سپرز

قرص استسقای زقی را نافع باشد صفت آن

جگر بگشاید صفت آن قرص کشت تخم کاشنی تخم خرفه مغز تخم کدو
مساوی کوفته و بیخته به سکنجبین بسرشند و اقراص سازند قرص
عود بنوعی دیگر معده را قوت دهد و طعام هضم کند و اشتها آورد
صفت آن قرنفل و مصطکی از هر یک سه درم قاقله سنبل بسباسه
از هر یک دو درم عود خام قرفه پوست ترنج از هر یک پنج درم زعفران جوز
بوا زنجبیل دارفلفل از هر یک یک درم قند سفید بوزن ادویه کوفته
و بیخته اقراص سازند قرص کننده قی و هیضه باز دارد صفت آن
کندر سه درم قرفه پنج درم مشک و کافور از هر یک دانگی قرنفل
یک درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی یک مثقال یا ده درم صفت آن
شراب نار منفح قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت آن
سماق حب الآس کرمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده از هر یک
ده درم فلفل یک درم پوست انار رومان و از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی دو درم باب سیب یا آب به قرصی که قی و تلخی
و سودایی را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن پوست
بیرون پسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام و مصطکی
از هر یک سه درم سک پنج درم کوفته و بیخته باب سیب قرص سازند
شربتی یک مثقال قرص کهربا بنسخه دیگر بول الدم را نافع بود صفت آن

کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز تخم کدو از هر یک سه درم گلنار
و اقاقیا از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته
اقراص سازند شربتی دو درم بشیره تخم خرفه قرص غاریقون گل سرخ
از هر یک پنج درم طباشیر و زرشک از هر یک دو درم عصاره
غافت سنبل لک مغول ریوند چینی پوست بیخ کبر در آب خیسانیده
خشک کرده از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم
و نیم با سکنجبین قرصی که منفعت معده و ضیق النفس و سلس البول را
نافع باشد صفت آن گل سرخ سنبل از هر یک سه درم صمغ عربی و گلنار
از هر یک دو درم مصطکی یک درم گلنار و طباشیر از هر یک یک مثقال
و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم با گلقند قرصی که نفث الدم را
نافع است صفت آن اقاقیا گل افیون بزر البنج گل ارمنی گلنار صمغ
عربی مساوی کوفته و بیخته باب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال
به رب سیب قرص حابس معده را قوت دهد و قی و اسهال
باز دارد صفت آن گل سرخ طباشیر انار دانه کندر خشک بریان کرده
از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته و مصطکی از هر یک
نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی مدبر یک مثقال کوفته و بیخته
بگلاب اقراص سازند شربتی یک مثقال قرصی که استسقا را نافع است

صفت آن گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دار
چینی افسنتین از هر یک یک درم کوفته اقراص سازند قرص زحیر
خون شکم و زحیر و نفث الدم را نافع است صفت آن گل مختوم گل
ارمنی قرص طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار حب الآس از هر یک دو درم
تخم حماض بری صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته و گل سرخ
از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک یک درم مازو
و زیره کرمانی بسرکه خیسانیده بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته
بلعاب بزر قطونا اقراص سازند شربتی یک درم قرص مسک و بنسخه
محمد زکریا ست و معده و دل و جگر بارد را قوت دهد و غشی و خفقان
بارد و اوجاع معده بارد را نافع است صفت آن مصطکی قرنفل بدیع
عود دارچینی سنبل مسک جوزبوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هر یک
مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند
شربتی یک مثقال قرص مروارید دل و دماغ را قوت دهد و یرقان را
و خفقان را نافع است صفت آن گل سرخ دو درم طباشیر مروارید
ناسفته صندل سفید از هر یک یک درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
از هر یک نیم درم تخم خرفه سه درم زعفران نیم دانگ کوفته بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین قرصی که تب



وصداع و سرسام را نافع باشد و تشنگی بنشاند و خواب آورد و هذیان
دفع کند صفت آن مغز تخم خیار مغز تخم کدو و تخم کاهو از هر یک
دو درم رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته
بآب کاهو یا لعاب بزر قطونا بسرشته قرص سازند شربتی یک عدد یا دو عدد
قرص عنبر الادویه تب ربع و وجع کبد و زحیر را نافع باشد صفت آن
انیسون و عصاره غافث از هر یک چهار درم ساذج هندی افسنتین
تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یک درم صبر دو درم کوفته
و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یک درم باب گرم قرصی که نافع
از جهت افراط خون بواسیر صفت آن مرجان کهربا ودع سوخته گل ارمنی
از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک نیم درم تخم گندنا
تا سه درم مقل ده درم در آب کنند تا [illegible] حل کنند و داروها کوفته
و بیخته بآب بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب آهنگران
قرصی که قی و هیضه را باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد صفت آن
سک فوفل از هر یک دو درم کزمازج پوست انار مازو از هر یک نیم درم
افیون دانگی کوفته و بیخته برب بسرشند و قرص سازند و شربتی یک درم و نیم
قطوری که نافع است از جهت قرح گوش و چرک که از گوش آید پاک
کند صفت آن انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر

زنگار خبث الحدید کوفته وبیخته ببرکه در کوش چکانند بعد از آن که
چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند وفتیله را بعسل تر ساخته زنند
وبراده وبیه مذکوره یکی داشته ودر کوش نهند قطوری که طنین ودوی
کوش را ببرد صفت آن کندر زعفران فرفیون جندبیدستر حرمل
سفیدها از هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک دو درم
ونم کوفته وبیخته بشراب حل کرده بچکانند قطوری که درد کوش را نافع
باشد صفت آن افیون یک درم شیاف ابیض سه درم روغن گل چهار درم
موم کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیم گرم کرده در کوش چکانند قطوری
که نافع است از جهت آب که در کوش رفته باشد صفت آن ترب
آب بیاز بجوشانند ودر کوش چکانند باب الکاف کلکلانج مودری
استسقای برودت معده وبیهای گرسنه وسرفه بلغمی را ضیق النفس
وقولنج وریح وطحال وبهق واحساس را سود دارد وبول بگشاید صفت آن
هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل دار فلفل
زنجبیل فلفلمویه نمک هندی نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد
نمک جرجسان العصا فسیر شیطرج هندی سعد جوزبوا قرنفل
صعتر بونک کابلی مقشر شونیز حب النیل زیره کرمانی ساذج هندی
تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک پنج درم تربد سفید پنجاه درم فلوس

[illegible]

خیار چنبر ده درم سوبز منقی نیمن شیر آمله یکمن سوبز وآمله را در شش من
آب حل کنند وسرخ قانیه هم در آن آب بگذارند ونیمن روغن کنجد
بآن بیامیزند وبجوشانند تا بقوام آید داروهای دیگر را کوفته وبیخته
بآن بسرشند شربتی پنج درم با شراب عنب الثعلب کلکلانج بارد استسقای
حار را نافع است صفت آن مازریون مدبر عاریقون پوست هلیله
زرد پنج درم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن کاسنی تخم کاسنی
مغز تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم ترنجبین فلوس خیار چنبر قند
سنجری از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورد وداروهای
دیگر کوفته وبیخته بآن بسرشند وشربتی دو درم تا چهار درم کلکلانج حار
نافع است استسقائی که بآن حرارت نباشد سکبینج از هر یکی صفت آن
مازریون مدبر عاریقون پوست هلیله سکبینج از هر یک یازده درم ابرسا سه درم
ریوند چینی عصاره غافث سنبل الطیب انیسون از هر یک دو درم کوفته
وبیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم کوفتی برودت معده
وشهوات کلبی وحسات بلغمی وسوداوی وفواق بلغمی وسوداوی واستسقای
ودوی وقولنج ریحی را نافع است صفت آن زیره کرمانی مدبر پنجاه درم
فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل وسداب از هر یک بیست درم بورک
ارمنی پنج درم زنجبیل عسل بوزن سه وزن هر سه ادویه را معجون سازند

چنانکه رسم است شربتی یک مثقال کحل زعفران حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه
سیلان نافع است صفت آن زعفران و سنبل از هر یک دو درم دار
فلفل یکدرم فلفل سفید و کافور از هر یک یکدانگ و نیم نوشادر نیم درم
مازو سه درم کوفته و بحریر بیخته در چشم کنند کحل الجواهر بصر را قوت دهد
و تیرگی داند صفت آن کحل سرمه اصفهانی هفت درم مارقشیشا نیم درم
اقلیمای طلا دوازده درم مروارید سفید ناسفته سه درم زعفران نیم درم
نیم درم ساذج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کنند کحل الجواهر روشنایی
نافع است از جهت ضعف بصر و شبکوری بود صفت آن
سر سوخته ساذج مغسول از هر یک نیم درم فلفل دار فلفل تخم حنظل
زعفران از هر یک نیم درم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک
یکدرم اقلیمای دو درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل مازو بصر را قوت
دهد و دمعه بازدارد و حکه را سود دارد و جفن را نیز سود دارد صفت آن
شاذنج عدسی و ساذج هندی از هر یک دو درم دار فلفل درم الفخر از هر یک
نیم درم روی سوخته و مازو از هر یک یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی
کافور یک طسوج کوفته و بحریر بیخته اکتحال نمایند باب اللام لعوق سپستان
سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان
کند و طبع را نرم کند صفت آن سپستان دویست عدد مویز منقی

چهل درم فلوس خیار چنبر پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند
تا بدو رطل آید بدست بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید
اضافه کنند لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع بود و سینه
و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن زوفاء خشک
بیخ سوسن از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی
آید صاف کنند و با یک رطل قند بقوام آورند لعوق حب الرشاد
سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد صفت آن
تخم ترتیزک ده درم اصل السوس چهار درم انیسون و رازیانه
از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در دو رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
صاف کنند و با یک رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق بادام
سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود دارد صفت صمغ عربی کثیرا
نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو و مغز
بادام از هر یک نیم درم قند سفید بیست درم کوفته و بجلاب بسرشند
و بروغن بادام چرب کنند و لعوق نمایند لعوق رب السوس
کثیرا با زرده مغز بادام مساوی کوفته و بعسل صاف بسرشند
صاف بسرشند و روغن بادام و ببندند لعوقی که سرفه خشک را
نافع باشد و سینه را نرم کند صفت آن رب السوس بهدانه مقشر
از هر یک دو درم آرد باقلا نشاسته کثیرا صمغ عربی تخم خطمی مغز

تخم خیارین مغز بادام تخم خربزه از هر یک پنج درم خشخاش دو درم
مغز بادام و مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را و روغن بادام بزنند
وادویه را دیگر کوفته بدان بیامیزند و با سیفتج بسرشتند و لعوق
سازند لعوق خیارچنبر بنسخه یحیی بن ماسویه ورم حلق و تب
و تشنگی و خشونت زبان را نافع باشد صفت ان عناب پنجاه
عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست و پنج درم
بنفشه و اصل السوس نیم کوفته از هر یک پانزده درم کتیرا شانزده درم
بزرقطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا به ثلثی
آید صاف کنند و مغز خیارچنبر پنجاه درم دران بمالند و دیگر باره
صاف کنند و یک رطل سفیدج و صد درم فانید داخل کنند و بپزند
لعوق خشخاش سل و قرحه امعا و نزف دم و سرفه بلغمی را نافع باشد
صفت ان پوست خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند
تا بیک رطل آید و یک رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید
بعد از ان رب السوس و مغز بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم
کوفته بان ممزوج سازند شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش
بنسخه دیگر نزله گرم رقیق را ساکن کند صفت ان تخم خشخاش سفید
ده درم نشاسته و کتیرا و صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو
شیرین از هر یک سه درم کوفته بجلاب سرشته لعوق سازند

لعوق کرنب

لعوق کرنب سینه را از اخلاط غلیظه پاک کند صفت ان آب کرنب
پخته یک من و نیم با نیم من عسل بپزند و بقوام آورند و بعد از ان مغز چلغوزه
و مغز پسته دانه وارد با قلا از هر یک پنج درم بیامیزند لعوق سیر سرفه بلغمی را
نافع باشد و ماده را نضج دهد و سینه را پاک کند صفت ان سیر پاک
کرده نیم من در نیم من روغن گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و نیک بمالند
و با یکمن عسل صاف بقوام آورند لعوقی که ربو و ضیق النفس و سرفه بلغمی را
نافع بود صفت ان بزرک بریان کرده کوفته ده درم با روغن بنفشه یا بادام
یک مثقال و پنج درم بعسل بسرشند و لعوق نمایند لطوخی که شقیقه را
نافع بود صفت ان مر تخم کاهو از هر یک یک درم بزر البنج و کتیرا از هر یک
دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بر کاغذ پاره کشند
و بر شقیقه چسبانند درد را تسکین کند لطوخی دیگر همین عمل کند
صفت ان زعفران افیون درم الاخوین صمغ عربی بسفیده تخم مرغ سرشته
بر صدغین چسبانند لخلخه که خواب آورد صفت ان تخم گل و بیخ
لفاح از هر یک یک درم افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته و بیخته در گلاب
کنند و ببویند لبوب کبیر گرده را گرم و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط
آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه
گرداند و رنگ را نیکو کند و اعصاب را محکم سازد و در امر مجامعت

نظر ندارد صفت آن مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حبة

الخضرا مغز کردکان مغز جلغوزه مغز حب الزلم ماهی بیان خولنجان

شقاقل بهمن سرخ وسفید و تودری سرخ و زرد و زنجبیل کنجد

مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل

کبابه چینی حب القلقل تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم

حلیون لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از هر یک سه درم

جوزبوا بسباسه دوالمه دار فلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب

نارجیل تازه مغز سر کنجشک خشخاش از هر یک ده درم قضیب

گاو سوده سورنجان بوزیدان نعناء خشک از هر یک چهار درم

مایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود

خام دو مثقال ورق طلا صد عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب

یکمثقال مشک نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود

معجون سازند حبوب صغیره منی زیاده کند وکلیه و مثانه قوی سازند

لبوب و نسیان را نافع و رنگ روی را نیکو گرداند و دماغ را قوت

دهد صفت آن مغز بادام مغز کردکان مغز حبة الخضرا مغز جلغوزه

مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته نارجیل تازه مغز حب القلقل

خشخاش سفید تودری کنجد مقشر تخم جرجر تخم پیاز تخم

شلغم تخم اسپست بهمنین زنجبیل دار فلفل کبابه قرنفه دارچینی

شقاقل

خشک کرده بوزن ...

شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون

سازند چنانکه رسمست شربتی دو درم نافع است باب المیم مسرود بطرس

قریب المنفعت است بتریاك فاروق لیکن تریاق فاروق در دفع

سموم ازین انفع است و مقدار شربت این در امراض مذکوره زیاده از نیم

صفت آن مر زعفران غاریقون زنجبیل دارچینی کثیرا از هر یک ده درم

سیسالیوس قسط کافیطوس قند علک البطم دار فلفل عصارة لحیة

التیس جند بیدستر سادج هندی میعه سایله جاوشیر از هر یک هشت

درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان اسقوردیون جعده دو فوا

اکلیل الملک حنطیانا روغن بلسان حب بلسان اقراص فوفنوان مقل

از هر یک هفت درم سداب دو درم اذخر هشت درم اشق سنبل رومی

مصطکی صمغ عربی فطراسالیون قردمانا مرازمایج افیون کل سرخ مشک طرا

مشیع از هر یک پنج درم انیسون وج فو سکبینج اسارون از هر یک سه درم

فوا قافیا ناف سقنقور وهوفاریقون از هر یک چهار درم و نیم شراب ریحان

لهنه چندانکه صمغها در آن حل کنند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود

معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و قوت وی تا هفت

سال می ماند معجون فلاسفه اثرا مادة الحیوة نیز گویند هاضمه را قوت دهد

واشتها آورد و بلغم را دفع کند و نسیان و سلس البول و درد پشت و درد کرده

واوجاع مفاصل را نافع بود و باد ملتند و باه را برانگیزاند و دندانرا سخت

گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو کند و بوی دهن

خوش کند و بران را موافق باشد صفت ان زنجبیل فلفل دار فلفل دارچینی

املج مقشر هلیله شیطرج هندی راوند مدحرج خصیة الثعلب کلابا پنج

مغز جلغوزه حب نیج بابونه نارجیل تازه از هریک ده درم تخم بابونه چهار درم

سوزنجی میم درم عسل مصفی و چندان ادویه بطریق متعارف معجون

سازند شربتی دو درم معجون ابو مسلم این معجون را فوایدرس کنید

وهمه دردها را تسکین کند صفت ان افیون بزر البنج از هریک ده مثقال

عاقرقرحا فرفیون زعفران سنبل سورنجان قاقله دار فلفل از هریک

پنج مثقال کوفته وبیخته بعسل معجون کند شربتی از دانگی تا نیم مثقال

معجون تربدی قولنج بگشاید وبلغم دفع کند و در دلیشت ساکن کند

صفت ان سقمونیا ده درم قاقله کبار وصغار زنجبیل و دارچینی قرنفل

نارمشک قرنفل از هریک پنج درم مشکی سرخ و تربد سفید از هریک

صد مثقال عسل منقی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم معجون

لوری صفرا و بلغم را دفع کند صفت ان مغز گاو بسته مغز بادام سقمونیا

از هریک ده درم زعفران یکدرم و داروهای کوفته بدان بسرشند شربتی

یکمثقال معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه بریزاند صفت ان مغز تخم خیار

تخم کدو و حب کاکنج از هریک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم صلایه

کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ

گرده و مثانه را بریزاند و گزندگی عقرب را بغایت نافع باشد صفت ان

عقرب محرق سه درم و نیم خطمیا نا یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم و نیم زنجبیل

یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم فلفل دار فلفل از هریک ده درم کاکنج

پنجدرم و نیم جند بیدستر چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند بول

الدم را نافع بود صفت ان بزر البنج تخم کرفس رازیانه هفت درم

مغز تخم خربزه حماض افیون مغز جلغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام

تلخ بریان کرده از هریک سه درم و دو درم و نیم کاکنج بعسب و پنج عدد

کثیرا چهار درم صمغ بسرشند شربتی یکدرم ما حند تفول با ماء

العسل با شراب خشخاش بنوشند معجون راحت قولنج را در ساعت

بگشاید صفت فلفل دار فلفل زیره کرمانی زنجبیل سداب خولنجان

قرنفل از هریک ده درم سقمونیا هفتاد درم عسل صد و چهل درم

شربتی یکمثقال معجون لؤلؤیی ترکیب جالینوسی است هفت منفعت

دارد قضیب را سخت کند و امینه منی بگشاید و شهوت را زیاده کند

و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن بسیار پیدا کند صفت ان

مروارید ناسفته و بسد از هریک یکمثقال انیسون بهمن سفید از هریک

سه درم کالنج لبلاب از هریک یکدرم فقاع اذخر سعد کرمانج سلیخه دارچینی اسارون مصطکی از هریک نیم مثقال صمغ عربی کتیرا از هریک نیم درم کوفته با هم چندان عسل بسرشند در قعب خال بنهند ... یک مثقال

باب گرم بنوشند معجون دیگر که اعضاء رئیسه را قوت دهد و باه را زیاده کند و نشاط آورد و معده قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و رنگ را نیکو گرداند و طعام را هضم کند صفت آن دارچینی سنبل الطیب پوست بیرون پسته جوز بوا مغات خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل دواله پوست بلیله بادرنجبویه گاوزبان از هریک ازان سه درم مصطکی هیل زرنب زنجبیل قرنفل اسارون عود ساذج هندی کبابه چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد صندل سفید فلفل انیسون نعناع بسباسه هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه فرفیون ... مروارید مرجان ... کرده از هریک دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هریک چهار درم ماهی رویان خصیة الثعلب تودری زرد تودری سرخ از هریک پنجدرم مشک تبتی نیم مثقال عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد ... مناصفه همین معجون سازند چنانچه رسم است معجون عطائی تقطیر البول و سرعت انزال را نافع باشد صفت آن عاقرقرحا ... دیگر کند ... بلوط بزر العنب ساوی کوفته با دو مقدار آن عسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون کندری

که همین خاصیت دارد

که همین خاصیت دارد صفت آن کندر شونیز کند کشنیز خشک از هریک ده درم زیره کرمانی نانخواه کرویا از هریک پنجدرم پوست بلیله هلیله سیاه هلیله زرد آمله مقشر از هریک سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار عسل بسرشند شربتی دو مثقال صباح و مسائی نوشند غذا کباب معجون بزور زد ... باه را نظیر است صفت آن تخم کندر تخم شلغم تخم پیاز تخم حلبون تخم اشبت تخم جرجیر مغز جلغوزه حب القلقل حب الذلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید دار فلفل ... و حلتیت قرفه مساوی بعسل معجون معجون اصطمخیقون تباهی مزاج و درد معده را سود دارد صفت آن قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هریک دوازده درم زراوند طویل فلفل سنبل ... کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقو افطراسالیون کاشم اسارون افسنتین انجدان فودنه نعناع از هریک چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون قباد الملک مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهنه و ضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دافع کند صفت آن جنطیانا عاقرقرحا رومی اسطوخودوس قردمانا جاوشیر کافیطوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون میعه سایله از هریک پنج مثقال مر زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل فرفیون پوست بیخ لفاح اشق فودنه رازیانه دوقو

ورق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه مثقال قرنفل هشت
مثقال سلیخه شانزده مثقال عصارهٔ غافت تخم حندقوقی مغز تخم
بادام از هر یک چهار درم افیون بزرالبنج سفید چهار درم انجبار حل کنند
در شراب کنند وانچه کوفتنی است بکوبند و بان ممزوج سازند و بعسل
معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند معجون سورنجان مسهل
بلغم و سودا باشد و مخصوص مفاصل و نقرس و عرق النسا است
پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس و غاریقون هندی و برگ حنا
زبد البحر فلفل سفید و دارفلفل و زیانه صعتر از هر یک یکمثقال گل سرخ زنجبیل
سقمونیا کثیرا خشک از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم
روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربتی
پنج مثقال یا هفت مثقال معجون نانخواه معده را پاک کند
و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن صعتر
و فوتنج نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته
باید چندان عسل بسرشند معجون مسیحی درد پشت و درد پای را
نافع بود و باه را قوت دهد و معده را قوت دهد و پاک کند
و موی را دیر تر سفید کند و سوء هضم را دفع کند و سرعت انزال سود دارد
صفت آن گل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرد نبات
زعفران قاقلین جوز بوا مساوی قند و عسل مصفا بقدر احتیاج

قند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته
بان بسرشند معجون غیاثی اشتهای آورد و بوی دهن خوش کند
و حفظ بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران عاقرقرحا بزرالبنج
فرفیون خولنجان قاقله کبار دارفلفل چند بیدستر مساوی کوفته و بیخته
باید چندان عسل بسرشند معجون ریوند درد جگر و معده و اورام
رحم را نافع بود صفت آن ریوند چینی جنطیانا سد انج و ج بیخ انجدان
تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه مساوی بعسل بسرشند و بعضی راسن
کنند شربتی یکمثقال با ماء العسل معجون مقل باد بواسیر را و بادی که اندر
روده باشد بشکند و اماس مقعده که خون از و آید سود دارد صفت آن
هلیله کابلی آمله تخم سفندان سفید تخم مرغ کنند نانخواه تخم شاسفرم از هر یک
پنج درم مقل پنجاه درم مقل را در آب کنند تا حل شود و داروهای
دران بسرشند شربتی دو درم معجون فولادی این معجون هندی و باشته
و ترکیب عجب است و خواص بسیار دارد و فالج و لقوه و رعشه و نسیان
و عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را نافع بود و حفظ را زیاده
کند و معده را قوت دهد و باه را برانگیزد و سرعت انزال و سلس البول را
دفع کند و پیران را موافق بود صفت آن زعفران فلفل دارفلفل سنجرف
مغسول با آب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور

سنبل لیباسه قرنفل دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم خربزه
تخم کاشنی تخم خشخاش عاقرقرحا بهمن سرخ بهمن سفید هلیله سیاه کهربا
مرجان مروارید ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس مغز پسته دانه مغز
ناتوره زهر کرفته و بجنه بریان کرده جنطیانا مایه شتر اعرابی زنجبیل
مغز سر کنجشک مغز سر خروس کنجد مقشر کندر رومی بابونه جوزهندی
بوا آمله قاقله کبار بلیله شیطرج ماخواه جوزهندی هلیون سلیخه
از هر یک ~~[illegible]~~ ده مثقال اشترغار مغز چلغوزه پیاز کوکی [illegible]
حب النیل هندی خصیة الثعلب زرنباد درازبانه بلادر زهر کرفته
لحم زهر کرفته بریان کرده افیون زراوند طویل پیاز عنصل زراوند
مدحرج شاهتره از هر یک پنج مثقال افیون مصری چهار مثقال عنبر خاص
و مشک تبتی از هر یک یک مثقال ورق طلا و نقره از هر یک پنجاه عدد
قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا فولاد مکلس از هر صد مثقال
دوازده مثقال بدو [illegible] معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند طریق تکلیس فولاد آنست که فولاد جوهر دار خالص
از خاک بشانند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال
کوکرد زرد پاک صلایه کرده با آن ضم کنند و در بوته ریزند و در کوره
نهند و آتش نما کنند چنانکه کوکرد تمام بسوزد و دود از کوره بر آید بعد از آن

بیرون آورند

بیرون آورند و خوب صلایه کنند و باز پنجاه مثقال دیگر کوکرد با او ضم کنند
و بهمان طریق در بوته ریزند و در کوره نهند و آتش کنند تا کوکرد تمام
بسوزد و پس از بوته بیرون آورند و با آب صبر و سرکه کهنه یک هفته صلایه
کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن با سرکه بشویند تا تلخی از وی برود پس با آب بشویند
تا شیرین کردد بعد از آن خشک کنند و با آب ترب صلایه کرده چندانکه
چون در آب ریزند بته آب نرود تا نیمروز بر بالای آب بایستد والله اعلم

معجون چوب چینی ترکیب مولانا عماد الدین محمود است جهت تقویت باه
و معده و دل و دماغ و جگر و مثانه و کرده و سرخ رنگ و دوی و فربهی
بدن نیکو بود و بوی دهان ببرد و خوشبوی سازد صفت آن
چوب چینی اعلا پنجاه مثقال مروارید ناسفته صلایه کرده ده مثقال شیطرج
دو مثقال ریوند چینی افیون رومی از هر یک سه مثقال سنبل الطیب از هر یک
سه درم مصطکی عود خام بادیان شتر اعرابی زعفران [illegible] عنبر از هر یک
دو درم [illegible] دو بیان از هر یک سه مثقال جوز بوا بسباسه سه درم [illegible]
ده مثقال دارچینی فلفل قرنفل زنجبیل از هر یک سه مثقال درونج عقربی
زرنباد از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب پنج مثقال تخم کزر شلغم
تخم ترب تخم بجنه بهمن سرخ بهمن سفید مرماخسک از هر یک سه مثقال
سعد کوفی دو درم ورق منشط [illegible] ادویه مجموع را کوفته و بیخته [illegible]

بادرنجبویه گل سرخ دواله از هر یکی ده مثقال جوشانیده صاف کرده
آب آن نگاه دارند تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک ده مثقال نرم
بکوبند و شیره بگیرند و آن شیره را اضافه کنند صاف کنند و بر آب
به شیرین و آب سیب شیرین و گلاب از هر یک صد مثقال با قند و عسل
صاف نمایند مناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و مغز
بادام و مغز گردکان و مغز چلغوزه را از هر یک ده مثقال نرم بکوبند
و موم در عسل اندازند و زعفران را بگلاب حل کنند بعد از آنکه سرد شود
اضافه کنند و مشک و عنبر را دو حصه کنند یک حصه را اول داخل
کنند و یک حصه دیگر بعد از آن [illegible] دوائی نافع باد و بعضی دیگر این
اجزا را داخل نمایند الماس دول سه مثقال [illegible] مقویه شیر [illegible]
مثقال گل سرخ تخم تودری صندل سفید صندل سرخ از هر یکی سه مثقال
خشخاش سفید ترکیب ساخته در ظرفی پاکیزه کنند معجون نافع از
کسی که عاجز باشد از ازاله بکارت صفت آن را زنجبیل دارچینی
خصیة الثعلب شقاقل جوز بوا لسان العصافیر مصطکی زعفران
دار فلفل بوزیدان ورد احمر بهمن ابیض بهمن احمر تخم جرجیر تخم هلیون از هر یک [illegible]
مشک و عنبر از هر یک یک مثقال حب القلقل سه درم و زاید الغذا [illegible]
و پنج مثقال عسل بهمین ترکیب کنند معجون الباه از ترکیب مولانا

محمد شیرازی

محمد شیرازی صفت آن بهمن سفید خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل
سه مثقال مایه شتر اعرابی شقاقل تودری زرد تودری سفید از هر یک
پنج مثقال خسک مربی ده درم جوز بوا ده مغز بادام فندق از هر یک
دو مثقال زعفران سه درم گاوزبان پنج مثقال بسباسه سه درم عنبر
اشهب یک درم ورق الخیال صد مثقال شیر [illegible] گوسفند جوشانیده
صاف کرده با عسل بقوام آورند و دیگر اجزا با آن سرشته معجونی
که مقوی باه و معده است صفت آن مروارید ناسفته سه مثقال
لعل بدخشان فیروزه نیشابوری بسد [illegible] حجر الیهود
مشک خالص از هر یک یک مثقال پوست سبز پسته دو مثقال [illegible]
اترج سه مثقال قرنفل دو مثقال قاقله دارچینی از هر یک سه مثقال
بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو مثقال [illegible] عاقرقرحا سه مثقال زنجبیل خولنجان
فلفل دار فلفل از هر یک دو مثقال اسارون صندل سرخ صندل سفید [illegible]
از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب شقاقل گل سرخ از هر یک سه مثقال [illegible]
مصطکی پنج مثقال [illegible] دو مثقال تخم کاسنی سه مثقال [illegible]
دو مثقال فرفیون یک مثقال [illegible] سه مثقال و بزر البنج یک مثقال تخم [illegible]
افیون زعفران از هر یک ده مثقال عسل وزن ادویه که سیصد و سی مثقال باشد
معجون یقوی علی الباه و یطیب النفس و یسخن البدن و ینفع الریح من المعده و [illegible]

عود [illegible] مثقال [illegible]

وین یدی الحفظ صفته دارچینی چهار مثقال زعفران سه مثقال
راز یانه زنجبیل ونعناع خشک برگ صعتر فودنج المسا بسفایج
من کل واحد اربعة مثاقیل ساذج هندی دارفلفل فلفل ابیض فلفل سود
اسارون بزر الانجره کرویا قرنفل خولنجان شقاقل من کل واحد اربعة
ونصف عاقر قرحا قاقله بزر القت بزر الفجل بزر الکرفس بالشلجم
من کل واحد مثقالان بسباسه المقشر لب الجوز لب الفستق لب اللوز
الحلو لب الجلغوزه من کل واحد عشرة مثقال عود هندی ثلثه
مثقال سکر ابیض مثل الجمیع علی مصطکی نصف الادویه معجون
که بادهای زنان آبستن را دفع کند و محافظت جنین نماید صفت آن
زرنباد درونج از هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک
یکدرم جدوار بسد یک مثقال دواله و سنبل از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال معجون مسهل سوداوی
ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل از هر یک
دو درم کوفته و بعسل سرشته شربتی دو مثقال با آب گرم معجون مفرح
مالیخولیا و توحش را نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط آورد صفت آن
ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنجدرم بسباسه پوست ترنج قرنفل تخم ترنج
از هر یک سه درم شکر دانگ کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند و ...

خفقان و ضعف دل را که از سردی بود نافع باشد صفت آن گاوزبان
بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید تخم فرنجمشک از هر یک ... بیست درم
گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال زعفران یکدرم بسد سوخته
کهربا سوخته قرنفل زرنب گشنیز خشک دارچینی از هر یک پنجدرم
عسل هلیله بلجاربک یاقوت زرد محلول از هر یک نیم درم درونج
عقربی یکدرم قیم مویز منقا نیم من قند نیم من عسل هلیله و قند و منقا
با یکدیگر بجوشانند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشته
و شربتی یکمثقال مفرح بارد خفقان حار را نافع باشد و دل را قوت دهد
صفت آن گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان گشنیز
خشک بریان کرده صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک
منقا شش درم مروارید ناسفته کهربا و زعفران کافور از هر یک
نیم درم مویز نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید مشک
یا گلاب بگدازند و با پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند و داروها کوفته
و بیخته با آن سرشته مفرح دلگشای خفقان ضعف دل را
زایل کند و نشاط و فرح تمام آورد صفت آن بهمن سرخ و سفید
پنج درم پوست هلیله کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم خام

مفرح مروارید ناسفته از هریکی دو درم گاوزبان ابریشم ترتیب بادرنجبویه
از هریکی ده درم کشنیز خشک و طباشیر از هریکی سه درم کهربا
زرنباد درونج رومی از هریک یکدرم عود خام یک مثقال آب انار
آب به بر حماض آب زرشک ده درم قند الفید و شراب بنفشه
از هریک صد مثقال آب ها صاف کنند و شربت بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته بدان سرشند مفرح دل کسانی را که خفقان و ضعف دل را
که از سردی بوده سود دارد صفت پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه
گاوزبان مغز تخم خیار زین از هریکی پنج درم بهمن سرخ و سفید از هریکی
دو درم و نیم هلیله مغز بادام خشخاش سفید کنجد مقشر
از هریکی سه درم زعفران ده درم دارچینی سه درم و نیم تخم کرفس
یکدرم مشک یک مثقال روغن بادام پنج مثقال نبات مصری و ترنجبین
سفید از هریک نیم من بنا ساخته و ترنجبین بدان سرشند مفرح دلکشای
بادرنجبویه سفید گل سرخ لسان العصافیر مروارید ناسفته از هریکی
یک مثقال صندل سفید کشنیز خشک از هریکی دو درم زرشک
بیدانه طلا محلول و نقره از هریکی نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم
قند سفید بگیر با آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند
مفرح مسیح بدین نسخه دیگر دل و جگر و دماغ را قوت دهد و منی زیاده کنند

اشتها آورد
و در مجامعت نظیر ندارد و باه را قوی کرداند صفت آن
تودری گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هریک پنج درم خولنجان کبابه
حصی جوز نقل سنبل قاقله کبار قاقله صغار جوز بوا نخود
فودنج مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر لبن الحما از هریکی
سه درم و نیم اشنه چهار درم مروارید ناسفته سادج هندی سعد کوفی
عنبر اشهب از هریکی دو درم زنجبیل دارفلفل از هریکی
یکدرم حصیة الثعلب ده درم زر محلول مشک نقره محلول از هریکی
نیم درم لعل کهربا بسد از هریکی یکدرم جزو اعظم سه مثقال عسل دو وزن
ادویه معجون سازند حبه جگر ریم است ... هلیله معده را قوت دهد و هاضمه را
قوی کرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع باشد و باصره را تیز کرداند و بلغم را
زایل کند و آدمی را جوان نگاه دارد صفت آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد
در ظرفی کنند و چندان آب بر سر آن ریزند که از آن بپوشد و خاکستر پاک
پنجاه درم بر روی آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغییر کنند در هر روز
یکبار رس شویند چنانکه پوست از وی جدا نشود و در دیگ کنند و آب صاف بر وی ریزند
تا ... یک کف جوش ... نیم کوفته اضافه کنند ... تا پخته شود بیرون
آورند و یکبار دیگر بدان دستور بشویند و هر هلیله را ده سوزن زنند و در ظرفی
کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که از آن بپوشد و بیست روز بگذارند بعد از آن
از میان عسل بیرون آورند و از عسل نگاه دارند دیگر بار در عسل تازه پرورده کنند

و ده روز دیگر بگذارند بعد از آن عسل اول و دویم بجوش کنند تا بقوام آید
و از این [illegible] کنند بالتربانج فرفر قرنفل زنجبیل قاقله جوز بوا مصطکی
عود از هر یک پنج درم [illegible] مثقال مشک نیم درم زعفران یک مثقال در ظرف چینی
کنند و بعد از چهل روز استعمال نمایند [illegible] باه را قوت
دهد و نقوط تمام آورد و مثانه را سود دارد صفت آن شقاقل تازه
آب خوش کنند یکشبانه روز و آن آب بریزند و یکشبانه روز دیگر در آب
تازه خیسانند باز آن آب را بریزند و یکشبانه روز در آب تازه
خیسانند و بعد از آن مقشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود و عسل
صافی بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوش کنند تا بقوام آید و در ظرف کنند
و بعد از چهل روز تناول نمایند مربای بالنگ معده را قوت دهد
و فرح آورد صفت آن گوشت ترنج را در دیگ کنند و آب بجوش کنند
تا نیم پخته شود بیرون آورند و بیفشرند و عسل صاف بر سر آن کنند و با آتش
نرم بجوش کنند تا بقوام آید و اگر بقند خواهند همچنین اما عوض [illegible] هلیله
و بالنگ و شقاقل و جزر و [illegible] بعمل آرند و مربی تمر هندی و آلو و
و سیب و امثال اینها بقند هر بار زنجبیل کرده و مثانه را و معده [illegible] بارده را نافع باشد
و بول براند و تنهای بلغم را سود دارد و باه را زیاده کند صفت زنجبیل تازه [illegible] را
در [illegible] دیگ کنند و یک روز هر روز آب تازه [illegible] بریزند و بعد از آن بیرون
آورند و بشویند و [illegible] کنند و با عسل بجوش کنند تا بقوام آید [illegible]

معده را قوت دهد و باه را زیاده کند صفت آن ~~[illegible]~~ بستانند کدو
تازه که هنوز صلب نشده باشد و پوست از وجدا کنند و با آب و عسل بجوش کنند تا بقوام
آید مربا کنند و آن حرارت را دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن بستانند
پوست هندوانه و سبزی را از و [illegible] تراشند و سه روز در آب و آهک خیسانند
روز چهارم در نمک آب خیسانند و یکشبانه روز دیگر بگذارند و پس
بیرون آورند و یکشبانه روز دیگر در آب شیرین اندازند بعد از آن
در آب و قدری عسل بجوش کنند تا نیم پخته شود پس بیرون آورند و بنهند
تا آب از و برود دیگر باره در عسل اندازند و بجوش کنند تا بقوام آید
سفوف معتدل تباشیر سفید گل سرخ [illegible] از هر یک مثقال [illegible]
[illegible] صندل سفید سنبل الطیب صندل سرخ طین ارمنی مغسول نیلوفر
بنفشه ~~[illegible]~~ بهمنین دورونج عقربی بادرنجبویه فلنجمشک عود هندی
لاجورد مغسول نیم عتیق لسان الثور آمله منقا ابریشم مقرض
عنبر اشهب [illegible] ساذج قرنفل کافور ریاحی مشک [illegible]
و نبات و عسل و ورق نقره و ورق طلا سه برابر اجزا معجون سازند [illegible] هندی
صفرا و تب را زایل کند [illegible] را موافق باشد صفت آن [illegible] هندی
از چوب و دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند [illegible] را بقوام
آورند [illegible]

ودل را قوت دهد صفت ان سیب را از پوست باز کنند و دانه بیرون
آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند بقوام آورند مربای به صفت
مربای به مثل مربای سیب است اما سیب را درست بالکند و به نیمه آش
منه معده را قوت دهد وقی و غثیان و هیضه و فواق و درد جگر را
نافع باشد صفت آب به ترش چهار من شراب ریحانی هشت من عسل مصفی
دو من مجموع را در دیگ ریزند و زنجبیل و مصطکی و قاقله صغار دارچینی
کبابه و قرنفل از هر یک هفت درم زعفران سه درم نیمه را نیم کوفته کنند و
زعفران سه درم و در کیسه بندند و در ان اندازند و بجوشانند و زمان
زمان کیسه را فشار کنند تا تره تمام باز دهد و زعفران سائیده اضافه نمایند و بقوام
آورند ماء العسل معده را قوت دهد و اشتها آورد و بول براند
و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد صفت ان عسل یک جزو آب دو جزو
بجوشانند تا ثلثی شود و اگر سقوه خواهند دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی
زعفران سنبل جوز بوا بسباسه کوفته و بخته بقدر احتیاج اضافه نمایند ماء
الاصول حار نقرس و اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت ان
پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس خطمی
از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی
نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک بیست درم
در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز سه رطل باده درم

کلعسل

گلعسل بنوشند ماء الاصول بارد اوجاع مفاصل حار را نافع است صفت ان
عناب سپستان از هر یک سی عدد پوست بیخ رازیانه از هر یک پنج درم
سورنجان سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند هر روز
سی درم باده درم گلقند بنوشند ماء الاصول دیگر سده جگر و سپرز
بگشاید و برودت معده و جگر و استسقاء بلغمی را نافع باشد
صفت ان پوست بیخ کرفس رازیانه از هر یک هفت درم بیخ اذخر
فقاح اذخر از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک یک درم نیم قوة
لک مغسول عود بلسان از هر یک دو درم غافث افسنتین تخم کاسنی
گل سرخ باد آورد پوست بیخ کبر از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی
بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند هر روز
چهل درم با یک درم روغن بادام تلخ و یک درم بادام روغن شیرین
بنوشند مطبوخ افتیمون صفرا سوخته بلغم و صفرا سوداء دفع کند
و امراض سوداوی را نافع باشد صفت ان سنا و یک هفت درم گل سرخ
چهار درم افتیمون در کتان بسته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه
از هر یک پنج درم بسفایج فستق اصل السوس رازیانه از هر یک دو درم
اسطوخودوس بولیا ... شاهتره گاوزبان و بادرنجبویه بنفشه
نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک سی دانه در سه رطل آب بجوشانند

افتیمون

افتیمون

تا به قوام آید و صاف کرده گلقند آفتابی ده درم مغز خیار چنبر بروغن
بادام چرب کرده ترنجبین از هر یک پانزده درم در ان حل کرده
بنوشند **مطبوخ سورنجان** اوجاع مفاصل را نافع بود
صفت آن سنا مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک
چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه انیسون
قنطوریون رقیق از هر یک ده درم پرسیاوشان گاوزبان
بادرنجبویه از هر یک سه درم جوشانیده صاف کرده گلقند ده مثقال
در ان حل کنند بنوشند **مرهم شادنج** بواسیر و شقاق
مقعد را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول گل ارمنی عصاره
لحیة التیس از هر یک سه درم افیون نیم مثقال و چهار حبه سفیداب
دو درم زعفران یک درم روغن بنفشه بادام روغن گل بادام از هر یک
ده درم موم سفید پنج درم موم سفید را در روغن بگدازند و دارو ها را
کوفته و بیخته بدان ممزوج نمایند با ده درم شیر دختران در هاون نیک
بمالند تا مرهم شود **مرهم کافوری** صفت آن مردار سنگ سفیداب
ارزیز موم سفید از هر یک پنج درم روغن گل بیست درم موم را در روغن
بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند
تا هموار شود و بگدازند تا خشک شود و بعد سفیده تخم مرغ و قدری
کافور داخل سازند و مرهم نمایند **مرهم رسل** اورام صلبه را مثل
خنازیر و سرطان و سلع را نافع بود و جلا احتهار از گوشت مرده

و ریم پاک کند و ناسور را با صلاح آورد صفت آن جاوشیر و زنگار
و بارزد و مر از هر یک دو درم اشق هفت درم کندر زراوند
طویل از هر یک سه درم مقل و مردار سنگ از هر یک چهار درم موم
در اتینج از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را در سرکه
حل کنند و موم را در روغن حل کنند و بگدازند آنچه کوفتنی باشد
بکوبند و بر بیزند و بان ضم کنند و در یکدیگر بمالند تا مرهم شود
مرهم سلقیون اورام صلبه را نرم کند و بر بیرانند و از
ریم پاک کند و گوشت برویاند صفت آن زفت راتیانج
موم سفید از هر یک بیست مثقال بادزهر چهار درم روغن زیت
سی مثقال موم را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را در ان
حل کرده مرهم سازند **مرهم خل** گوشت نو برویاند و جراحتها
خشک کند صفت آن مردار سنگ ده درم صلایه کرده با ده درم
موم و بیست درم روغن گل حل کرده و قدری سرکه مرهم سازند
مرهم زنگار الحم زاید را بخورد و ریشها کهنه را خشک
کند صفت آن زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم
و راتیانج از هر یک پنج درم و سی درم روغن زیت گداخته
در هاون کنند و با یکدرم انزروت کوفته و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود

مرهم سیاه گوشت مرده را بخورد و ریشها را باصلاح آورد
صفت آن مرداسنگ یکچهار یک زفت رومی بیست درم علك البطم
پنجدرم روغن زیتون نیم من موم بیست مثقال گداخته در روغن زیتون
بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده بران افشانند و مرهم سازند **مرهم**
توتیا جراحت قضیب را سود دارد صفت آن توتیا بیست درم صلایه
کرده با بیست درم موم در پنجاه درم روغن گل گداخته مرهم سازند **مرهم**
تابستانی گوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیز سه درم
دم الاخوین انزروت مرصرکند از هریك دو درم موم سه درم موم را
در روغن گداخته داروها را دران ممزوج کنند و در هاون بسایند تا مرهم
شود **مرهم آهك** سوختگی آهك و آتش را نافع بود صفت آن
مرداسنگ خبث الفضه سفیداب اقیمولیا آهك شسته روغن
گل سرخ موم سفید سفیده تخم مرغ با یکدیگر مرهم سازند حسب الحاجت
مرهم شنجرف سرطان و خنازیر و اورام صلبه را نافع بود صفت
آن مرداسنگ پنجدرم کندر بارزد اشق موم سفید از هریك ده درم
علك البطم شش درم شنجرف هشت درم روغن گل زیتون با روغن گل
سرخ پنجاه درم مرهم سازند **مرهم عسل** چرك از جراحت
و دماميل پاك كند صفت آن عسل را بجوشانند تا غلیظ شود
و برابر آن انزروت کوفته بآن ممزوج نماید و مرهم سازند **مرهمی** که
بواسیر را نافع بود صفت آن میعه سائله مقل از هریك دو درم روغن

مغز زرد آلو ده درم مقل و میعه را در روغن بگدازند و مرهم سازند
مرهمی که بواسیر را سود دارد و درد را ساکن کند صفت آن مغز
ساق گاو پیه مرغ کوهان شتر روغن گل مساوی در یکدیگر بجوشانند
و قدری افیون اضافه کنند و در هاون بسایند تا مرهم شود استعمال کنند
مرهم دیگر جهت بواسیر عظیم النفع است صفت آن پیه بطیه ماکیان
پیه بز از هریك پنجدرم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زرد آلو تلخ
و روغن مغز شفتالو و روغن گل از هریك ده درم میعه سائله دو مثقال
مقل ازرق بیست درم آب گندنا بقدر حاجت موم سفید پنجدرم مقل را
در آب کنند تا حل شود و روغنها با موم و میعه بگدازند و با مقل محلول
در هاون کنند با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند که بسیار نافع است
باب النون نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع بود صفت
آن پوست هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان و عناب از هریك
سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه تخم کاسنی از هریك سه درم مغز
خیارچنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شب در آب خیسانند
و صباح صاف کرده بیاشامند **نطولی** که خواب آورد و سرسام را نافع
باشد صفت آن بنفشه و تخم کاهو از هریك پنجدرم پوست خشخاش گل
نیلوفر پوست کدوی تازه بابونه از هریك ده درم کشك جو پنجاه درم
در پنج من آب بریزند و بجوشانند تا به نیمه آید و سر بخار آن بدارند تا گرم است
نطولی که گرانی گوش را ببرد که از عقب مسهل پیدا شده باشد و
سبب آن بخارات باشد زایل کند صفت آن بابونه اکلیل الملك قیسوم

از هریک ده درم و تمام مردنکوش اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ
از هریک پنج درم در ده آب بجوشانند تا بسه من آید و سر و گوش را بنجاران بدارد
نطولی که داغ ایلمه را برطرف کند صفت آن گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر
صندل سرخ و سفید نیم کوفته تخم کاهو و تخم کاسنی از هریک چهار درم
در هفت من آب بجوشانند تا بسه آید و بر بالا ریزند و چون از حمام بیرون
خواهند آمد بر اعضا بمالند داغ را ببرد نطولی که سنگ کرده را
و مثانه را پاره کند و بیرون آورد و بول براند صفت آن بابونه گل سرخ
اکلیل الملک خطمی خشک از هریک ده درم پوست خربزه خشک پرسیاوشان
تخم فلفل نیم کوفته از هریک هفت درم اشنان اصل السوس پوست
بیخ رازیانه از هریک پنج درم کاکنج و حلبه از هریک چهار درم برنجاسف
و بنفشه از هریک سه درم و قو برگ نیلوفر از هریک دو مثقال در ده من آب
بجوشانند تا سه یک بیرون آید و در آن نشینند و چیزی بیرون آید قطره روغن عقرب
در احلیل چکانند نطولی که کنند بینی را برطرف کند
صفت اسپرزاج سنبل قرنفل مساوی کوفته و بیخته در بینی دمد
نفوخی که صرع را نافع باشد صفت آن تخم حنظل قثاء الحمار
نوشادر کندش فلفل و اسطوخودوس کوفته و بیخته بقدر احتیاج
در بینی دمد مفید است

باب الواو

وجودی که چون در دهن
مصروع ریزند بهوش آید صفت آن حلتیت جندبیدستر کوفته
در سکنجبین عسل حل کرده وجود سازند یاقوتی دیگر که
خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد و اعضای دیگر را
قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط تمام آورد و سودا را دفع کند صفت
آن یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب ساذج هندی

حرف الیاء

بهمن که

بهمن سرخ بادروج از هریک دو مثقال یاقوت زرد یاقوت کبود
سفید عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادرنجبوی
گل مختوم عنبر اشهب طلای محلول گل دارچینی درونج عقربی
بهمن سرخ و سفید از هریک چهار مثقال لعل و فیروزه و یشب
ابریشم مقرض قرنفل نیلوفر صندل سرخ صندل سفید
دارچینی کبابه چینی قاقله کبار و صغار از هریک از هریک سه
مثقال زمرد یک مثقال و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر
سفید از هریک پنج مثقال آمله مقشر پوست هلیله کابلی از
هریک دو مثقال عصاره زرشک پانزده درم مشک خالص
یک مثقال و نیم کافور نیم مثقال آب سیب و آب به بقوام آورند از
هریک یک من آب حماض نیم من گلاب و عرق بید مشک یک من نبات
مصری یک من و نیم نبات را در گلاب و عرق بید مشک بگدازند و چون
فرو گیرند آب حماض بر آن ریزند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه
کرده را بآن بسرشند شربتی یک مثقال یاقوتی قوی التفریح چنانچه
از غایت تفریح روحانی گویند و دل و جگر را قوت دهد و مالیخولیا
و امراض سودا را بغایت نافع باشد صفت آن مروارید ناسفته
مرجان کهربا فرنجمشک از هریک یک درم صندل سرخ و سفید

طباشیر زرنباد بادرنجبویه قرنفل ساذج هندی عود قماری ابریشم
مقرض پوست ترنج از هر یک دو درم گاوزبان دو درم درونج
عقربی لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب
زعفران کافور از هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه
درم عسل صاف کرده پنجاه درم معجون سازند چنانچه رسم است
یاقوتی معتدل ضعف دل و وسواس سوداوی و
خفقان را نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط آورد صفت آن
مروارید ناسفته پنج درم تخم بادرنجبویه پوست بیرون پسته
پوست ترنج صندل سرخ صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک
سه درم بسد بهمنین کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم لعل
عود خام از هر یک یکمثقال یاقوت زرد عنبر اشهب ذهب محلول نقره
محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی
طباشیر زرنباد کافور قیصوری از هر یک نیم درم گاوزبان آمله
از هر یک پنج درم عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی و نیم
شراب به بیست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب چهل مثقال
داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده در شرابهای بقوام آورده
بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر نسخه شیخ ابو علی سینا

مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت نافع بود و نشاط آورد چه تمام آورد
و اعضای رئیسه را قوت دهد صفت آن یاقوت رمانی گاوزبان
تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض سرطان
نهری محرق از هر یک یکمثقال و دانگی سحاله طلای مکلس دو دانگ
تخم فرنجمشک تخم بادروج اسطوخودوس از هر یک سه درم
بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول مصطکی
سلیخه دارچینی زعفران هال قاقله کبار قرنفل ماه فرفیون خطائی
از هر یک یکمثقال افتیمون دو درم و نیم ترنجبین ساذج هندی
از هر یک دو درم درونج عقربی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار
ورق گل سرخ از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال شراب حماض
شراب سیب شیرین شراب انار عذب از هر یک سی مثقال عسل صاف بقدر
احتیاج بطریق معهود معجون نمایند بعد از چهل روز شربتی یکمثقال
بنوشند انشاالله تمام است

تم الکتاب بعون الملک الوهاب
[illegible]

انوشدارو مفرح بود مقوی دل و معده و جگر و بدن و رنگ و بوی دهن و عرق را
خوش کند و مویرا از سفیدی شدن زود نگاهدارد پیش از طعام و بعد از طعام تواند خورد

نسخه معجون سقنقور از علما مولانا اعظم الاعلم بقراط العهد جالینوس الوقت مسیح الملک والدین
باه را قوت دهد و نشاط زیاده کند کرده پشت و دل و دماغ را قوت دهد و نعوظ آورد ضعف لذ
ثقاقل بهمن سرخ و سفید بوزیدان سورنجان مصری بسباسه قرنفل قضیب گاو جوان خشک کرده
مغز جلغوزه مغز حبة الخضرا حب الزلم مغز نارجیل لسان العصافیر خولنجان قاقله کبار
تخم شلغم دارفلفل نارمشک فرنجمشک صندل سرخ و سفید خشخاش سفید گاوزبان
ورق گل سرخ بادرنجبویه تخم هلیون اسارون قرفه درونج عقربی خیربوا گل قرفه
ورق قرنفل جوزبوا اشنه سفید عود خام از هر یک پنجدرم تودری زرد و سرخ از هر یک
چهار درم سره سقنقور پانزده مثقال خصیة الثعلب و نعوظ از هر یک پانزده درم کبابه زنجبیل
و سعد هندی و زرنب و تخم بادرنجبویه زرنباد مصطکی تخم انجره تخم کزر تخم اشبت
ساذج هندی حجر یشب کهربا بسد زر محلول نقره محلول از هر یک سه درم مروارید
ناسفته پنجدرم عنبر اشهب دو درم مشک تر کی یکمثقال و نیم سنبل الطیب ده درم لعل
یکدرم و نیم یاقوت زرد یکدرم جزو اعظم صد مثقال عسل بقدر حاجت بطریق مفرح معجون سازند
شربتش یکمثقال دوا یکدرم کافیست تمت محمد

ترنج اسبار

